

معرفی نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی





معرفی اجمالی نقشه ی راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی از مدخل آسیب شناسی الگو های غربی
به روش بازخوانی تجربه ی استفاده از الگو های غربی در کشور
مشروح مصاحبه ی دبیر شورای راهبردی الگو پیشرفت اسلامی با هفته نامه 9دی

تاریخچه ی اثر:

مکان مصاحبه: دفتر هفته نامه ی 9دی

پیاده و ویراست: دفتر هفته نامه ی 9دی

فهرست کننده: زهرا قلی زاده

کارگروه مربوطه: حلقه ی ارتباطی سمنان

(پایگاه شهید شاطری)

طراحی صفحه و جلد: زهرا قلی زاده

تاریخ انتشار مصاحبه: 1391/7/15

تاریخ پیاده ویراست: 1391/7/15

تاریخ شروع فهرست: 1393/5/3

تاریخ پایان فهرست: 1393/5/7

تاریخ انتشار محصول: 1393/5/14

فهرست اجمالی:

1. وجود نقد توسعه غربی در مسئله ی الگوی پیشرفت اسلامی..... 1
2. تمرکز ادامه ی بحث بر چگونگی توانمندسازی ساختارها و بیان وجود سه مرحله در مرحله ی دولت اسلامی..... 17
3. بیان نسبت الگوی پیشرفت اسلامی و چشم انداز بیست ساله به صورت پیشنهاد سیاست هایی کلان بر اساس الگوی خودمان در دو برنامه باقیمانده چشم انداز و عوض کردن تخصیص ها در 5 سال آینده..... 20
4. نام بردن از شورای مردمی موسوم به شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با مشغولیت به سه کار..... 23
5. بیان اهمیت تبیین الگوی پیشرفت فارغ از چگونگی تحقق آن در نشریات و همایش ها و پنج جریان مشغول مسئله الگوی پیشرفت اسلامی..... 24

1. وجود نقد توسعه غربی در مسئله ی الگوی پیشرفت اسلامی

توجه ما نسبت به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی است در درون آن نقد توسعه غربی هم وجود دارد.

1/1. توجه به جهت جمهوری اسلامی، زاویه دید ما به الگوی پیشرفت اسلامی و گفتن لزوم استفاده نکردن از الگوهای غربی به ما در این زاویه دید

زاویه دید ما این است که ما یک توجهی داشتیم به جهت جمهوری اسلامی و با توجه به جهت جمهوری اسلامی نگاهمان را به مسئله الگوی پیشرفت اسلامی تبیین کنیم. یعنی ما یک تبیین و یک درکی از جهت نظام مبارک جمهوری اسلامی داریم که آن درک و جهت به ما می‌گوید که نباید از الگوهای غربی استفاده کنیم، این یک بحث است.

1/1/1. بازخوانی تاریخ از دارالفنون به این سمت و رسیدن به اثر الگوهای غربی و مورد بحث نبودن نقد الگوهای غربی توسط ما در عین وجود ارتباط مفهومی بین این دو مسئله

یک بحث دیگر این است که ما یک بازخوانی تاریخی داریم از دارالفنون به این سمت، از دویست سال پیش یک تجربه ای کشور ما داشته است. ما از آنجا هم می‌توانیم به جمع بندی برسیم که الگوهای توسعه غربی چه اثری داشته است. ما بحث مان فعلا نقد الگوهای غربی نیست ولی به هر حال این دو مسئله از هم جدا نیستند و باهم ارتباط مفهومی دارند.

1/1/1/1. بازخوانی تجربه ی دویست سال عمل به تزهای روشنفکری غربی در کشور، مشخص کننده ی نقاط ضعف و طرح بحث "الگوی پیشرفت اسلامی" در ادبیات انقلاب در نتیجه ی این ضعف ها

ما در کشورمان یک تجربه دویست ساله ای داریم که کارنامه روشنی است از جهت عملکرد تزه‌های روشنفکری غربی در کشور. من احساس می‌کنم که بازخوانی این کارنامه باعث میشود که یک سری نقاط ضعفی مشخص و روشن بشود و آن نقاط ضعف ما را واداشته به اینکه بحث "الگوی پیشرفت اسلامی" در ادبیات انقلاب مطرح بشود.

1/1/1/2. ورود پیدا نکردن ما به بحث های نظری ملازم با بررسی کتابخانه ای و بیان بازخوانی تحولات 200 سال اخیر و سنجیدن آن با آرمان ها و شرایط تاریخی به عنوان راهی دیگر، در عین مشترک بودن خروجی این دو روش

اگر بنایمان این باشد که به لحاظ تئوریک و نظری الگوهای توسعه غربی را بررسی کنیم باید حتما یک بررسی کتابخانه ای درستی انجام بشود. اما در بحث نقد توسعه غربی، دو رویکرد هست. یک رویکرد می‌رود سمت بحثهای کتابخانه ای و نظری که آن فضای خاص خودش را می‌خواهد که دو سه ترم دانشگاهی می‌خواهد که آن بحث ها را طبقه بندی کرد و مورد نقد قرار داد. حتی به لحاظ تاریخی هم الان که ما نشستیم داریم حرف می‌زنیم، اختلاف قرائتهایی در نحوه ایجاد توسعه وجود

دارد، یعنی به لحاظ بازه تاریخی هم اینها تحول پیدا کردند. پس یک سمت بحث می‌رود به سمت بحث‌های نظری که ما این را ورود پیدا نکردیم یعنی الان بنایمان این نیست که در تبیین مسئله الگوی پیشرفت اسلامی این کار را انجام دهیم بلکه می‌خواهیم بگوییم این تنها راه نیست. راه دیگری برای نقد هست که شما تحولات 200 سال اخیر را بازخوانی کنید. بالاخره دولت‌هایی سرکار آمدند؛ از قبل انقلاب برنامه ریزی مدرن در کشور ما شروع شده، قبل از انقلاب بوده الان هم چند برنامه توسعه در کشور ما اجرا شده؛ اینها را بازخوانی کردن و بعد با آرمانها و با آن شرایط تاریخی ما سنجیدن یک راه است. بحث مهم دیگری سوای این مسائل این است که قبل از اینکه ما وارد نقد توسعه غربی بشویم ابتدا بازخوانی کنیم ما چه می‌خواستیم یعنی من به هر حال فکر می‌کنم که خروجی بحث مشترک می‌شود.

1/2. شروع از مطلب اثباتی تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی در "نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت" و قضاوت درباره ی به هدف رسیدن با توسعه غربی یا برنامه ریزی کردن توسعه غربی ضد شاخص های ما، پس از تبیین

ما در این "نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت" از اینجا شروع کردیم. یعنی ابتدا جهت جمهوری اسلامی را تبیین کردیم بعد آن مطلب اثباتی را که ما به دنبالش بودیم و برای آن انقلاب کردیم وقتی تبیین شد آن وقت آن زمینه قضاوت آماده می‌شود که آیا با توسعه غربی ما به اهداف خود خواهیم رسید یا توسعه غربی برنامه ریزی ضد شاخص های ماست.

1/2/1. طراحی جدول گفتمان پیشرفت اسلامی و طرح مسئله ی تبیین جهت جمهوری اسلامی در این جدول به عنوان اولین مفهوم

از آغاز بحث، در مسئله تبیین الگوی پیشرفت اسلامی، جدول گفتمان پیشرفت اسلامی طراحی شده است. اولین مفهومی که در این جدول مطرح شده مسئله تبیین جهت جمهوری اسلامی است.

1/2/1/1. معنا کردن جهت جمهوری اسلامی در سه سطح به صورت تبیین مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله ی دیگر

خوب! حالا جهت جمهوری اسلامی چیست؟ ما در این جدول به صورت خلاصه در سه سطر جهت را معنا کردیم؛ به نظر ما جهت عبارت است از تبیین مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله دیگر حرکت. یعنی اگر بتوان با استفاده از این سه مفهوم، یک تبیین آکادمیک صحیحی ارائه داد ما توانستیم جهت جمهوری اسلامی را تبیین کنیم.

1/2/1/1/1. تبیین مبنای حرکت به عنوان "ایده ی محوری" و عامل ایجاد حرکت و انگیزه

حالا من خیلی خلاصه گزارشی را خدمت شما ارائه می‌دهم. اگر بخواهیم جهت حرکت جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی را برای نخبگان و برای عامه مردم و مسئولین تبیین بکنیم ما ابتدا باید مبنای حرکتش را تبیین بکنیم؛ مبنای حرکت عبارت است از "ایده محوری" که حرکت و انگیزه از او و به خاطر تحقق او بوجود آمده است.

1/2/1/1/2. بیان مبنا به صورت ایده ی محوری غیر قابل تغییر در هر شرایط زمانی و مکانی

هیچ شرایط زمانی و مکانی مبنای حرکت را تغییر نمی دهد ممکن است شرایط زمانی و مکانی مسیر رسیدن به آن را کند بکند ولی تغییر پیدا نمی کند. به هر حال مبنا عبارت است از آن ایده محوری که قابل تغییر نیست و نمی شود دست از آن برداشت.

1/2/1/1/3. تبدیل یک حرکت به حرکتی دیگر در صورت تغییر مبنای حرکت و در نتیجه لزوم تبیین مبنا برای تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی

اگر مبنای یک حرکت تغییر کند معنایش این است که آن حرکت از بین رفته و به یک حرکت دیگری تبدیل شده است. بنابراین اگر ما به دنبال تبیین جهت حرکت نظام جمهوری اسلامی هستیم نیازمندیم مبنای حرکت و حیطه محوری حرکتی که شکل گرفته را تبیین کنیم.

1/2/1/1/4. تحقق شاخصه های هویت اسلامی، مبنای استنباط شده از ادبیات انقلاب به معنی بیان اقامه ی اسلام به عنوان انگیزه ی انقلابیون از اول شروع انقلاب

در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی، استنباط از ادبیات انقلاب این است که مبنای حرکت جمهوری اسلامی تحقق شاخصه های هویت اسلامی بوده است. یعنی از اولی که انقلاب شروع شده است انگیزه انقلابیون این بوده که اقامه اسلام بکنند و شاخصه های هویت اسلامی را محقق کنند.

1/2/1/1/4/1. نبود ابهام در بحث مبنا و وجود آن در بحث شاخص ها

به نظرم در بحث مبنا ابهامی نیست و نبوده . بلکه برای احراز هویت اسلامی همیشه شاخص ها محل اختلاف و ابهام بوده است . مثلا ما متدی نداشتیم که در آن شاخص ها را احراز کنیم

1/2/1/1/4/1/1. بیان مثالی استفاده ی ضریب جینی به عنوان شاخص عدالت در عین عدم استحقاق آن و در نظر نگرفتن بحث های فرهنگی در آمار ها

مثلا می دانیم با ضریب جینی نمی توان عدالت اقتصادی را اندازه گرفت. ما در شاخصه های احراز هویت مشکل داشتیم یعنی بعضی از شاخص ها را آمدم معادل چیزی گرفتیم که استحقاق آن را نداشته مثلا همان مثال ضریب جینی که خیلی نمی تواند شاخص عدالت باشد یا اصلا بحث های پیشرفت فرهنگی، کجای آمارهای ما دیده می شود؟ تعالی فرهنگی را چگونه می شود سنجید؟ بله همینطور است که حالا در بحث نقشه راه اتفاقا ما یکی از خلاءهای تحقق مبنایمان را نبود شاخص های اسلامی می دانیم. به هر حال در برنامه ریزی نیاز به شاخص هایی داریم که راجع به آن هم توضیح می دهیم ولی الان ما اگر عنایت بفرمایید می خواهیم جهت جمهوری اسلامی را اجمالا توضیح بدهیم.

1/2/1/1/5. کفایت کردن دانستن اجمالی تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنای حرکت ما، در مقام تبیین جهت

در مقام تبیین جهت لازم نیست به تفصیل، شاخص های هویت اسلامی را اسم ببریم، همین به اجمال بدانیم مبنای حرکت ما به دنبال تحقق شاخص های هویت اسلامی است؛ کفایت می کند.

1/2/1/1/6. رصد دو جریان موثر دیگر در حرکت های اجتماعی ایران

برای اینکه این مبنا تبیین بیشتری پیدا کند لازم است ما دقت کنیم که دو مبنای دیگر در حرکت های اجتماعی ایران موثر بوده است. یعنی به صورت جامعه شناسی اگر مطالعه بفرمایید می بینیم حرکتها از دو مبنای دیگر هم متأثر بودند،

1/2/1/1/6/1. بیان جریان روشنفکری به عنوان یک مبنا در سال های گذشته ی ایران با بنای ایجاد مدرنیزاسیون

در این سالهای گذشته از انقلاب ایران؛ یک مبنا، متعلق است به جریان روشنفکری که آنها هم به میزانی که در جامعه ایران حضور پیدا می کردند بنایشان بر این بوده است که فرایند مدرنیزاسیون را در ایران ایجاد کنند یعنی ایران را به سمت ارزش های مدرن سوق بدهند.

1/2/1/1/6/1/1. بیان مبنا و ایده ی محوری جریان روشنفکری به صورت : بومی کردن مدرنیته و حرکت این مبنا در عرض مبنای انقلاب اسلامی به معنی هماهنگ کردن پتانسیل های اجتماعی بر مبنای فرمانبری از محوری دیگر

اگر کسی بخواهد مبنا و ایده محوری جریان روشنفکری را تبیین کند به این می رسد که اینها به دنبال آوردن مدرنیته و بومی کردن مدرنیته در ایران بودند. خوب! این مبنا در واقع در عرض مبنای انقلاب اسلامی عمل می کند یعنی سعی می کند پتانسیل های اجتماعی را بر مبنای فرمانبری از محوری دیگر هماهنگ کند.

1/2/1/1/6/2. بیان جریان اسلام سنتی به عنوان مبنای موثر دیگر در ایران با محدود کردن خود به استنباط شاخص های هویت اسلامی و ابلاغ آنها و عدم برنامه ریزی این جریان برای تحقق شاخص های هویت اسلامی

یک مبنای دیگری هم در جامعه ایران منشأ آثار هست آن هم مبنای جریان اسلام سنتی است که حیطه فعالیت خودش را به استنباط شاخص های هویتی اسلامی و ابلاغ این شاخصه ها محدود کرده است. جریان اسلام سنتی شاخص های هویت اسلامی را قبول دارد که بر مبنای حرکت های اجتماعی باشند ولی برنامه ریزی برای این که برود به سوی تحقق، در دستور کارش هیچ وقت نبوده است.

1/2/1/1/6/2/1. بیان محدود کردن فعالیت به استنباط و تبلیغ به عنوان نوعی سکولاریسم و جامعه‌گریزی، البته نه به تعبیر سکولاریزم در عرف بین‌الملل

آیا این نوعی سکولاریسم نیست؛ اینکه قائل به قابلیت و حقانیت باشد اما به دنبال تحقق و فعلیت نرود، نوعی حکومت‌گریزی و اجتماع‌گریزی نیست؟ همانطور که عرض کردم در طول تاریخ جریان اسلام سنتی، در استنباط و تبلیغ فعالیت خودش را محدود کرده است؛ حالا اینطور به تعبیر سکولاریزم در عرف بین‌المللی آن نه! ولی الان که ما داریم مبنای انقلاب را مطرح می‌کنیم می‌گوییم مبنای انقلاب قائل به این است که شاخص‌های هویت اسلامی حتماً باید به سمت تحقق‌اش حرکت کند، یعنی برنامه‌ریزی باید باشد.

1/2/1/1/6/2/3. نبود ظرفیت اجتماعی بیش از استنباط و ابلاغ در 200-300 سال پیش و مناسب نبودن بکارگیری روش دوران گذشته با ظرفیت کمتر، در حال حاضر

حالا از لحاظ تاریخی برگردید به 200-300 سال پیش، ظرفیت اجتماعی بیش از این مهیا نبوده است. یعنی در حد اینکه استنباط صورت بگیرد و ابلاغ اجتماعی این شاخص‌ها انجام شود، بیشتر از این اصلاً ظرفیت اجتماعی وجود نداشته است. اینکه مبنایی که متناسب با ظرفیت دوران گذشته است در شرایط فعلی که ظرفیت بالاتری از لحاظ اجتماعی هست بکار گرفته بشود ما این را مناسب نمی‌دانیم و اینها در دوره خودش ظرفیت بیش از آن نداشته‌اند و به قول معروف رسالت‌شان را انجام دادند.

1/2/1/1/6/3/1. قد علم کردن موجهایی مثل میرزای کبیر و مرحوم شیخ فضل‌الله و مرحوم مدرس از دویست سال پیش در مقابل مدرنیته، به عنوان جریان هویت انقلاب اسلامی و جمع‌آوری این اسامی در دائرة المعارفی با تخمین اولیه 7 جلد کتاب قطور و نشر یک جلد آن به نام "چل چراغ‌های طاغوت شکن"

من می‌توانم جریان هویت انقلاب اسلامی را از دویست سال پیش که موجهای به اصطلاح مدرنیته به جامعه ایمانی و اسلامی ایران حمله کردند رصد کنم. جریان‌اتی بودند که در مقابل این موجهای مدرنیته قد علم کردند که حالا نمونه‌های تاریخی‌اش معروف است؛ از میرزای کبیر هست یا مرحوم شیخ فضل‌الله هست؛ مرحوم مدرس هست و سایر علمای بزرگ که حالا چند ده هزار نفرند. ما در حال جمع‌آوری اینها در یک دائرة المعارفی هستیم، فعلاً تخمین اولیه حدود 7 جلد کتاب قطور است یک جلد از آن هم به نام "چل چراغ‌های طاغوت شکن" منتشر شده است.

1/2/1/1/6/3/2. نام‌گذاری جریان مقابل مدرنیته از 200 سال پیش با تشکیل حکومت در انتهای این سالها به عنوان "جریان انقلاب اسلامی" و برخاستن این جریان از دل حوزه‌های علمیه

به هر حال می خواهیم بگوییم آن جریانی که در 200 سال گذشته به این نتیجه رسید که باید مقابل موج های به اصطلاح مدرن برنامه ریزی بکند و بعد در انتهای این جریان 200 ساله تشکیل حکومت داد؛ این را ما اسمش را "جریان انقلاب اسلامی" گذاشتیم. جریان انقلاب اسلامی در واقع از دل خود حوزه های علمیه برخاسته

1/2/1/1/6/3/3. وجود رگه هایی نرسیده به ضرورت برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی در حوزه های علمیه از ابتدا تاکنون و امکان شناسایی شخصیت آنان به سادگی در عین غالب بودن گرایش حوزه های علمیه به ضرورت داشتن برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی

ولی کماکان یک رگه هایی از همان اول تا الان در حوزه های علمیه وجود دارد که هیچ وقت به ضرورت برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی نرسیده و این رگه ها هست حالا شناسایی شخصیت هایشان هم خیلی کار سختی نیست. به هر حال می خواهیم بگوییم حوزه های علمیه در جریان غالب به این سمت گرایش پیدا کرده که ضرورت دارد برنامه ریزی تحقق شاخص های هویت اسلامی صورت بگیرد.

1/2/1/1/6/3/4. دانستن ریشه های انقلاب از 200 سال پیش به معنی به جمع بندی رسیدن جمعی از فقها در مقابله با مدرنیته

ما ریشه های انقلاب را از 200 سال پیش می دانیم به مفهومی که در مقابله با تمدن مدرنیته جمعی از فقها به این جمع بندی رسیدند.

1/2/1/1/6/3/5. آغاز جریان مقابله با مدرنیته با حرکت میرزا مسیح و جمعیت های دیگر و نقطه ی عطف این جریان در تحریم تنباکو

نقطه عطفی در جریان تحریم تنباکو است ولی قبل از آن هم حرکت های میرزا مسیح و جمعیت های دیگری قابل رصد هست و اگر با این دوستان ما که مشغول تألیف همین دایره المعارف هستیم یک مصاحبه ای صورت بگیرد آنها نقطه آغاز را غیر از حرکت میرزای شیرازی دیدند. یعنی مراجع که اتفاقا در مقابله با امواج مدرنیته و غرب گرایی خیلی هم فعال هستند ولی به هر حال نقطه علنی درگیری با حرکت میرزای شیرازی هست و نقطه شروع قطعاً قبل از آن بوده است.

1/2/1/1/6/4. مرور سه جریان موثر در شرایط فعلی ایران به نام های اسلام سنتی با جایز ندانستن برنامه ریزی، جریان روشنفکری با برنامه ریزی به محوریت ارزش های مدرن و جریان اسلام ناب به دنبال تحقق شاخص های هویت اسلامی

خوب! پس اگر مطالعه بفرمایید سه ایده محوری به لحاظ جامعه شناسی در شرایط فعلی ایران موثر است، همان جریانی که خودش را از حد ابلاغ به حد برنامه ریزی جایز نمی داند یعنی اسلام سنتی، جریانی که برای برنامه ریزی ورود پیدا می کند

ولی برنامه ریزی اش به محوریت ارزش های مدرن است یعنی جریان روشنفکری و این وسط جریان اسلام ناب است که همانطور که عرض کردم به دنبال تحقق شاخص های هویت اسلامی است.

1/2/1/1/6/4/1. لزوم مقایسه ی دائم برای فهم وجود فقهای آگاه تر به زمان و مکان از 200 سال قبل به عنوان مزیت جریان انقلاب اسلامی

خوب! باید مقایسه ای دائم صورت بگیرد و بررسی ای صورت بگیرد که مزیت جریان انقلاب اسلامی این است که در واقع فقهای تئوری پرداز آن هستند که زمان و مکان را بیشتر از هم دوره ای های خودشان شناختند. 200 سال هم هست که اینجوری بوده است.

1/2/1/1/6/4/1/1. بیان مشخص شدن کار آمد تر بودن فقهای مقابل تمدن مدرن و موافق تحول شاخص های هویت اسلامی، برای حفظ اسلام با بیان مثال اختلاف مرحوم آخوند خراسانی و مرحوم سید محمدکاظم یزدی در تایید قانون اساسی و بیان غلبه ی جمعیت پذیرنه ی مبنای انقلاب در حوزه های علمیه ی امروز

شما حادثه مشروطه را واکاوی کنید بزرگان حوزه علمیه نجف و عراق با حوزه تهران اختلاف داشته اند؛ مرحوم صاحب عروه ایشان حاضر نمی شود قانون اساسی را تأیید کند ولی مرحوم آخوند خراسانی امضا می کند. امروز هم مرحوم سیدمحمدکاظم یزدی صاحب عروه از بزرگان حوزه هست که کتاب عروه الوثقی ایشان مبنا است و هم کفایه مرحوم آخوند. خوب! این اختلاف در نوع برخورد و مواجهه با مدرنیته به چه بر می گردد؟ اصل اختلاف از آن اول بوده است. به مرور که جلو آمدیم تحولات تاریخی جامعه شیعه را به این نتیجه رسانده است که آن دسته از فقهای که برنامه ریزی در مقابل تمدن مدرن و مبنای حرکتشان تحول شاخص های هویت اسلامی است کارآمدتر هستند برای حفظ اسلام. به هر حال یک دعوی 200 ساله ای است که به نظر امروز در حوزه های علمیه غلبه با جمعیتی است که مبنای انقلاب را پذیرفته اند. اگرچه جریان هایی هم در گوشه و کنار هم در حد ابلاغ خودشان را محدود دانستند ، هیچ وقت در عرصه برنامه ریزی هم ورود پیدا نکردند.

1/2/1/1/5/1. بیان تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنای حرکت جمهوری اسلامی

پس مبنای حرکت جمهوری اسلامی به طور خلاصه عبارتند از تحقق شاخص های هویت اسلامی.

1/2/1/1/2. ترسیم پنج مرحله ی تاریخی برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی

مبنای جمهوری اسلامی برای تحقق ایده خودش یعنی برای تحقق حرف اصلی خودش پنج مرحله تاریخی هم تعریف کرده؛ یعنی حرکتی که ما برای تحقق این مبنا می توانیم ترسیم کنیم در پنج مرحله است.

1/2/1/1/2/1. مرحله ی اول، انقلاب سیاسی سال 57 شامل سلب اختیار از افراد بی اعتقاد به مبنا و دادن کار به افراد معتقد به تحقق شاخص های هویت اسلامی

مرحله اول گرفتن اختیارات است از کسانی که معتقد به این مبنا نیستند که ما این را تعبیر می‌کنیم به انقلاب سیاسی سال 57، یعنی در انقلاب سیاسی سال 57 در واقع سلب اختیار شد از کسانی که معتقد به مبنای انقلاب نیستند؛ و کار به دست کسانی داده شد که معتقد به تحقق شاخص‌های هویت اسلامی هستند.

1/2/1/1/2/2. مرحله ی دوم، نظام اسلامی شامل تعریف اجمالی هویت و جلوگیری از تعریف هویتی غیرواقعی توسط دیگران

در مرحله دوم این حرکت و خواست عمومی ای را که برای تحقق مبنای نظام جمهوری اسلامی در جامعه ایران وجود داشت، تعریف اجمالی شد که شما از آن تعبیر میکنید به مرحله نظام اسلامی یعنی در واقع وقتی نظام جمهوری اسلامی مستقر شد و نام نظام شما تلقی شد به جمهوری اسلامی این معنایش این است که هویت تان را اجمالی تعریف کردید، نگذاشتید که دیگران هویتی را برای شما تعریف بکنند که واقعیت نداشت.

1/2/1/1/2/2/1. مشخص شدن اهمیت تعریف هویت اجمالی و تاکید امام بر عبارت دقیق جمهوری اسلامی با رویت بیداری اسلامی و خواست عده ای در این انقلاب ها برای بیان تعریف دیگری از حرکت صورت گرفته و قانون اساسی

اهمیت این مسئله الان که حادثه بیداری اسلامی قابل رویت است مشخص می‌شود؛ در انقلاب ما بلافاصله، پتانسیل‌های بسیج‌کننده مردم برای حرکت ریشه‌هایش با هویت اسلام تعریف شد. امام (ره) تاکید داشتند که جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. در حقیقت هویت انقلاب اسلامی با اسامی چون جمهوری دموکراتیک، مصادره نشد. امروز یکی از مسائل و معضله‌های بیداری اسلامی و انقلاب‌های منطقه، این است که عده ای می‌خواهند حرکت را یک‌طور دیگری تعریف کنند و به دنبال این هستند که قانون اساسی‌هایی که از این انقلاب‌ها بوجود می‌آید یک تعریف دیگری بر آن حاکم باشد. پس بنابراین مرحله دیگری که پشت سر گذاشتیم این بود که هویت اجمالی حرکت خودمان یعنی حرکتی که مبتنی بر آن مبنا بود را تعریف کردیم که از آن به مرحله نظام اسلامی نام برده می‌شود.

1/2/1/1/2/3. مرحله ی سوم، دولت اسلامی شامل توانمندسازی ساختارها برای برنامه ریزی بر اساس مبنا

مرحله سوم عبارت است از توانمندسازی ساختارها برای برنامه ریزی بر اساس مبنا؛ ما در این مرحله هستیم که از این مرحله هم تعبیر می‌کنیم به مرحله دولت اسلامی.

1/2/1/1/2/3/1. طرح سوال چرایی ناتوانی ما در حرکت در مرحله دولت اسلامی به سرعت مراحل قبلی و سوال از وجود مشکلات فردی زمامداران دولتی یا مشکل ساختاری علاوه بر مشکلات فردی

مشکل ما در مرحله دولت اسلامی چیست؟ چرا نتوانستیم به سرعت مراحل قبلی از آن عبور کنیم؟ آیا مشکل فقط ریزش‌ها و مشکلات فردی زمامداران دولتی است یا مشکل ساختاری هم داریم؟

1/2/1/1/2/3/1/1/1. ناتوانی - نه نخواستن - ساختار های فعلی ما در برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنا

در گام سوم حرکت انقلاب اسلامی برای تحقق مبنای خودش ما با یک معضلی روبرو هستیم که ساختارهایمان نمی توانند، نه که نمی خواهند، من تعبیرم دقیق است، ساختارهایمان نمی توانند. یعنی توان برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی ندارند.

1/2/1/1/2/3/1/1/1. بیان مثال ناتوانی مرکز آمار دولت نهم با شعار عدالت در محاسبه ی افزایش یا کاهش عدالت و ادعای این مرکز در نشان ندادن نحوه محاسبه عدالت به او و علم ما به پذیرفتن عدالت در وزارتخانه ها

من یک مثالی بزنم که مطلب شفاف بشود در اینجا؛ در زمان دولت نهم ما یک جلسات و مذاکراتی با مرکز آمار ایران داشتیم، در آنجا یک گفتگویی صورت گرفت بین ما و یکی از کارشناسان، آن آقای کارشناس می گفت که شعار این دولت عدالت است ولی من نمیتوانم محاسبه کنم که آیا عدالت افزایش پیدا کرده یا کم شده، محاسبه اش را بلد نیستیم توان علمی اش را ندارم. می گفت عدالت شعار خوبی است من توان ندارم و همکارانم هم نمی توانند عدالت را محاسبه کنند. در واقع می گفت شما نحوه محاسبه عدالت را به ما نشان ندادید. مسئله توانمندی ساختارها، مسئله مهمی است. در برنامه ریزی اصل شاخص های هویت اسلامی پذیرفته شده است یعنی کارشناسانی که در وزارتخانه ها هستند این قطعی است از نظر ما که اینها از عدالت بدشان نمی آید، ولی چون ما عدالت را تعریف نکردیم روش محاسبه اش را نداریم مشکل داریم. فرض بفرمایید به فرمایش شما اینها می آیند

1/2/1/1/2/3/1/1/2. بیان مثالی استفاده از ضریب جینی به عنوان مفهومی ضد عدالت برای محاسبه ی عدالت و لزوم پذیرش 10 دهک اقتصادی و در نتیجه پذیرش فاصله طبقاتی برای این کار به دلیل ایجاد نکردن توان برنامه ریزی برای شاخص های هویت اسلامی در ساختار نظام

مثلا از معادله ضریب جینی برای محاسبه عدالت استفاده می کنند، با اینکه ضریب جینی یک معادله است برای توزیع درآمد و توزیع درآمد فقط نسبت دارد با عدالت؛ یعنی عدالت یک مفهوم حتما حاکم و وسیع تری است از این مسئله. خوب! ما تعریف نکردیم عدالت را لذا وقتی حتی ما به آنها فشار می آوریم که می خواهیم عدالت را محقق کنیم می آیند ضریب جینی را مبنای محاسبه قرار می دهند و فاصله بین دهک ها را معیار قرار می دهند. با این کار، شما پذیرفتید جامعه 10 دهک اقتصادی بشود وقتی این را پذیرفتید در واقع فاصله طبقاتی را پذیرفته اید؛ خوب یعنی اصل جوامعی که فاصله طبقاتی دارند را پذیرفتیم حالا می آییم می گوییم فاصله طبقاتی خیلی شدید نشود. می آیند این را با ضریب جینی محاسبه می کنند یعنی در واقع از یک معادله ای که ضد عدالت است شما استفاده می کنید برای محاسبه عدالت. این به خاطر این است که شما توان برنامه ریزی برای شاخص های هویت اسلامی را در ساختار نظام ایجاد نکردید.

1/2/1/1/2/3/1/2. عدم انتقال به جامعه اسلامی به عنوان گام چهارم انقلاب، در صورت توانمند نکردن ساختارها در برنامه ریزی برای مبنای جمهوری اسلامی و اسلامی شدن جامعه به میزان توانا کردن ساختارها و میزان تحقق شاخص های هویت اسلامی

مادامی که این توان را ایجاد نکنید شما به گام چهارم انقلاب که همان جامعه اسلامی است منتقل نمی شوید، یعنی در واقع مرحله بعد از مرحله دولت اسلامی، جامعه اسلامی است؛ آن مرحله موقعی است که ساختارهای شما توانمند شدند در برنامه ریزی برای مبنای جمهوری اسلامی. لذا به نسبتی که توانایی ایجاد شده شاخص های هویت اسلامی محقق شده، به همان مقدار جامعه تان اسلامی شده و انتقال مرحله ایجاد کردید.

1/2/1/1/2/4. مرحله ی چهارم، تمدن اسلامی به معنی جذب دیگر ملت ها به مبنای محقق شده ی جمهوری اسلامی

گام بعدی این است که مبنای حرکت جمهوری اسلامی حالا محقق شده، درخشندگی این تحقق و این برنامه ریزی چشم دیگر ملت ها را جذب کند و شما وارد مرحله تمدن اسلامی و مرحله امت اسلامی می شوید.

1/2/1/1/2/5. نسبت داشتن هر مرحله با مبنای جمهوری اسلامی و شروع از گرفتن اختیارها و ختم به معرفی مبنای حرکت جمهوری اسلامی به بقیه ملتها و مستضعفین عالم و حرکت قبل از ظهور

پس بنابراین هر پنج مرحله نسبتی دارند با مبنای جمهوری اسلامی و شما از گرفتن اختیارات شروع می کنید به معرفی مبنای حرکت جمهوری اسلامی به بقیه ملتها و مستضعفین عالم و حرکت قبل از ظهور، مراحل را ختم می کنید. تصویری که الان داریم این است.

1/2/1/1/2/3/2. قرار داشتن ما در مرحله ی توانمند سازی ساختارها به مدت 20 سال براساس فرموده ی امام خامنه ای و لزوم ارائه ی تصویری درست از دولت اسلامی

در این سیر ما هنوز در مرحله توانمند سازی ساختارها هستیم به فرمایش امام خامنه ای ما در این مرحله حدودا 20 سال است هستیم. منتها دولت اسلامی را ما باید سعی کنیم تصویر درستی از آن ارائه کنیم؛

1/2/1/1/2/3/3. به تصویر کشیدن چگونگی توانمندسازی ساختارها برای برنامه ریزی بر مبنای جمهوری اسلامی در نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت

دولت اسلامی یعنی چی؟ ما در نقشه راهمان سعی کردیم این کار را انجام دهیم، به نظرمان مرحله دولت اسلامی مرحله توانمندسازی ساختارها برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی است که حالا همه فضای نقشه راه ما در واقع چگونگی این

توانمندسازی را تصویر میکند. یعنی نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت، چگونگی توانمندسازی ساختارها را برای برنامه ریزی بر مبنای جمهوری اسلامی تصویر می کند.

مروری بر سه سطح جهت جمهوری اسلامی شامل مبنا به صورت تحقق شاخص های هویت اسلامی و مراحل تحقق این مبنا خوب! پس جهت جمهوری اسلامی همانطور که عرض کردیم در سه سطح باید تبیین شود، یک سطح بحث مبنا بود که عرض کردیم تحقق شاخص های خوبی از الگوی پیشرفت اسلامی است، سطح دوم سطح مراحل تحقق این مبنا است که عرض کردیم.

برگرفتن تمام این موارد از نظر آیت الله خامنه ای در 5 مرحله و ارائه ی تصویر روشنی از این مراحل توسط ایشان

همه این موارد برگرفته از نظر آیت الله خامنه ای در 5 مرحله است و تصویر روشنی هم ایشان از این مراحل مشخص کردند که حالا ما سعی کردیم مسئله ایشان را تبیین کنیم.

دخیل بودن مبنای جمهوری اسلامی در تفسیر مراحل و نام بردن از گام سوم مراحل به عنوان کار اصلی ما

مبنای حرکت جمهوری اسلامی در تفسیر مراحل دخیل است یعنی اگر شما توجه به مبنا کنید این مراحل درست معلوم می شوند. به هر حال موضوع اصلی کار ما در گام سوم مراحل است.

1/2/1/1/3. حرکت به سمت شناسایی موضوعات انتقال از هر مرحله به مرحله ی دیگر و تحقق شاخص های هویت اسلامی در صورت رسیدن به مرحله ی آخر و تحقق یک قسمت از مبنا در هر مرحله

ما الان داریم به این سمت حرکت می کنیم که موضوعات انتقال از هر مرحله به مرحله بعد را شناسایی کنیم. من این را عرض می کنم از هر مرحله به مرحله بعدی یک "موضوع انتقال" داریم؛ بخاطر اینکه ما آن روزی شاخصه های هویت اسلامی را محقق می کنیم که برسیم به مرحله پنجم یعنی مرحله آخر. حالا که شما پذیرفتید در 5 مرحله تاریخی هویت اسلامی به درک شما (فقها) عرض می کنم یعنی به درک تفقه ظاهری ما، این مبنا تحقق پیدا بکند پس معنایش این است که در هر مرحله ای یک سطر و یک قسمت از آن مبنا را می توانید محقق کنید.

1/2/1/1/3/1. ضرر کردن در برنامه ریزی اجتماعی در صورت اشتباه در شناسایی موضوع انتقال و عدم تمرکز بر آن

مسئله این است که اگر در موضوع انتقال اشتباه کنیم و در آن بخشی که ظرفیت داریم متمرکز نشویم در آن صورت در برنامه ریزی اجتماعی ضرر می کنیم. باید ببینید امروز چرا شاخصه های هویت اسلامی به تمامی محقق نشده است.

1/2/1/1/3/1/1. تمرکز بر موضوعی فراتر از ظرفیت و عدم تحقق آن، عامل فرصت سوزی برای تحقق بخشی مناسب با ظرفیت موجود

از یک طرف در موضوعی چون ظرفیتش را نداریم قطعا حتی اگر رویش دست بگذارید محقق نمی شود ولی مهم تر از این فرصت تان را می سوزانید برای تحقق همان بخشی که هنوز ظرفیتش هست.

1/2/1/1/3/2. پذیرفتن منطقی عدم تحقق همه ی مبنا در یک مرحله، عامل ایجاد 5 مرحله و مطرح شدن بحث موضوع انتقال و اولویت

معنای اینکه می گوئیم شاخص های هویت اسلامی که مبنای ما است ، در 5 مرحله محقق می شود؛ معنایش این است که پذیرفتیم به صورت منطقی و عقلانی که ظرفیت تحقق همه مبنا در یک مرحله وجود ندارد پس طبیعتا بحث موضوع انتقال و اولویت مطرح می شود. باید یک مرحله ای را کامل کنیم بعد گام بعدی را برداریم و بعد در 5 مرحله آن هدف نهایی را محقق کنیم.

1/2/1/1/3/3. تبیین موضوع انتقال به عنوان تمرکز بر بخشی از مبنا با قدرت تحقق آن و قرار دادن آن به عنوان موضوع اصلی

موضوع انتقال در واقع معنایش این است که فی المثل شما در مرحله انقلاب اسلامی هستید تا مرحله نظام اسلامی چقدر از مبنا را می توانید محقق کنید، همان قدر را شناسایی کنید موضوع اصلی تان را محقق کردن همان بخش قرار دهید. ما ظرفیت تشکیل حکومت را داریم، پس بنابراین بعد از مرحله انقلاب اسلامی مرحله نظام اسلامی اولویت اصلی ما است و موضوع انتقال چگونگی برنامه ریزی برای تشکیل حکومت باید باشد.

1/2/1/1/3/1/1. بیان مثالی توصیه به تولید الگوی پیشرفت اسلامی در سال های 49 تا 57 در عین شکل نگرفتن حکومت اسلامی به عنوان کاری فراتر از ظرفیت و ابزار و نیروی انسانی و فکر

در این مسیر، یک کسی بیاید به همین بهانه ای که ما مبنایمان هویت اسلامی است ما را فرا بخواند به یک مرحله ای که ظرفیت اش را نداریم و مثلا کارهایی انجام دهد که مربوط به مرحله 20 سال بعد است، ثمری نخواهد داشت. مثلا فرض بفرمایید در فاصله سال 49 تا 57 یک جمعیت هایی بودند که می گفتند الان الگوهای پیشرفت اسلامی باید تولید شود، دقت کنید در آن زمان هنوز ما حکومت تشکیل نداده بودیم، ولی آن ها این موضوع را مطرح می کردند، خوب طبیعتا این موضوع در درک و ظرفیت مردم نبود و اگر هم درکش می کردند نمی شد بدون تشکیل حکومت انجام شود و ابزار اجرایش نبود، نیروی انسانی اش را نداشتیم، اصلا فکرش تبیین نشده بود؛ پس بنابراین مسئله موضوع انتقال که ما عرض کردیم مسئله مهمی است.

1/2/1/1/3/1/2. اشتباه در تشخیص موضوع انتقال ، عامل از دست رفتن فرصت مقدار قابل تحقق و دچار کردن جامعه به شعار زدگی و ناامیدی و تزلزل در اصل مبنا

موضوع انتقال یعنی محاسبه آن مقدار از مبنا که الان ظرفیت تحقق اش وجود دارد. اگر شما این محاسبه را اشتباه انجام دهید و بیابید اضافه بر ظرفیت تقاضای تحقق مبنا را بکنید معنایش این است که هم فرصت آن مقدار قابل تحقق را از بین بردید، هم جامعه را دچار یک حالت شعارزدگی کردید؛ چون این تحقق قطعا پیدا نخواهد کرد با شعار شما، نتیجه این اشتباه آن است که جامعه را به این نتیجه می رسانید که ما حرکت کردیم ولی نشد یعنی جامعه را دچار حالت ناامیدی می کنید؛ به مردم گفتید بیابید در صحنه فلان چیز را محقق کنیم، چون ظرفیت و زمینه اش نیست محقق نمی شود و مردم نسبت به اصل مبنا دچار تزلزل می شوند.

1/2/1/1/3/1/3. دچار مشکل شدن انتقال ما به مرحله ی بعد در صورت دچار مشکل شدن نیروهای انقلاب و پتانسیل اجتماعی در تشخیص موضوع انتقال

لذا ما در نقشه راه گفتیم که تشخیص موضوع انتقال علت انتقال می شود و متأسفانه جمعی از نیروهای انقلاب در تشخیص موضوع انتقال دچار مشکل اند. به همان میزان که دچار مشکل اند انتقال ما هم به مرحله بعد دچار مشکل می شود. یعنی در واقع چون پتانسیل اجتماعی اش را نداریم همه باید فعالیت بکنند تا آن ابزار قابل تحقق که ظرفیت تحقق اش هست پیدا کند. نیروها رفتند یک جای دیگری ایستادند، روی یک مسئله دیگری ایستادند.

1/2/1/1/3/2. مرور مرحله ی انقلاب اسلامی سال های 42 تا 57 به عنوان رفتن غیر معتقدین به مبنا

فاصله سال 42 تا 57 مرحله انقلاب اسلامی هست دیگر، در این فاصله انقلاب پیروز شده؛ غیرمعتقدین به مبنا رفتند،

1/2/1/1/3/2/1. مرور مرحله ی نظام اسلامی به عنوان تعریف حکومت به "جمهوری اسلامی" ،محصول تمرکز امام(ره) و نیروهای انقلاب بر تئوری ولایت فقیه و نبود ظرفیت تحقق بیش از این در آن زمان

حالا مرحله بعد از شما چیست؟ مرحله نظام اسلامی است. در آن مرحله حکومت شما به یک حکومت دموکراتیک تعریف نشد. نشد جمهوری دموکراتیک- این هم یک اعتقادی است - شد جمهوری اسلامی. این محصول تمرکز امام(ره) و نیروهای انقلاب برای تبیین آن جمله "اسلام خودش حکومت دارد" یا "تئوری ولایت فقیه" است. یعنی چون در فاصله بین مرحله انقلاب اسلامی و نظام اسلامی امام خمینی موضوع اصلی تکلیفشان را این قرار داده بودند که پدیده حکومت اسلامی و چگونگی اش را تبیین کند و ظرفیت ها را برای آن بسیج کند، این باعث شد که ما انتقال پیدا بکنیم به مرحله بعد. اصلا ظرفیت تحقق بیش از آن وجود نداشت. اختیارات فقیه و مسئله حکومت اسلامی بخشی از هویت اسلامی است یعنی بخشی از مبنا است ولی همان بخش در آن سالها قابلیت تحقق داشت یعنی امام راحل عظیم الشان، بعد از مرحله انقلاب اسلامی را که

انجام دادند ما به سلامت منتقل شدیم به مرحله نظام اسلامی. یک علتش این است که امام تمرکز داشتند به تبیین پدیده حکومت اسلامی و تئوری ولایت فقیه.

1/2/1/1/3/2/2. تبیین مسئله ی ولایت فقیه برای اقشار مختلف به خصوص روحانیت توسط امام خمینی از دهه چهل، علت جا افتادن تئوری مبنایی جمهوری اسلامی هنگام طرح بحث و عدم انحراف آن با تلاش روشنفکران در عین عدم انعکاس کامل اختیارات فقیه در قانون اساسی با فشار های آنان

البته امام مسئله ولایت فقیه را برای اقشار مختلف، علی الاخصاص برای روحانیت از سال های دهه چهل تبیین کردند. لذا وقتی بحث جمهوری اسلامی مطرح شد تئوری مبنایی آن ، جا افتاده بود . بعد از انقلاب، تلاش هایی که روشنفکران و دیگران کردند منجر نشد که مسیر انقلاب منحرف بشود، حتی شما اگر فعالیتهای گروه های روشنفکری را در خبرگان قانون اساسی مطالعه کنید آنها حتی نتوانستند در قانون اساسی بندهایی را به نفع خودشان کاملاً محقق کنند. البته فشارهایی که آوردند خوب باعث شد در قانون اساسی ما اختیارات فقیه همه آن منعکس نشود اما به صورت کلی اصل ولایت فقیه گنجانده شد. البته امام (ره) فرمودند بخشی از اختیارات ولی فقیه در قانون اساسی گنجانده شده

1/2/1/1/3/2/2/1. امکان اضافه کردن اختیارات فقیه در قانون اساسی در بازنگری فرموده ی حضرت آقا، پس از قانون اساسی مصوب 57 با تغییرات 68

حالا یک سوالی پیش می آید که ما آیا در ادامه سیر این مراحل نیازی نداریم برگردیم و آن اختیاراتی که حضرت امام می گفتند را اضافه کنیم؟ در آن مسئله بازنگری قانون اساسی که حضرت آقا چندی پیش فرمودند امکان تغییرش هست بله در آن مرحله ممکن است ما برگردیم این مسائل را جبران کنیم. یعنی پس از قانون اساسی مصوب 58 و تغییرات 68 ممکن است چنین ضرورتی در جامعه ایجاد بشود.

1/2/1/1/3/2/2/2. بیان اهمیت تمرکز بر موضوع انتقال با تبیین مثال ولایت فقیه به عنوان موضوع انتقال از انقلاب اسلامی به نظام اسلامی

مهم این است که ما به موضوع انتقال متمرکز شویم. پس موضوع انتقال از مرحله انقلاب اسلامی به مرحله نظام اسلامی، مسئله ولایت فقیه بود که باید روی آن متمرکز می شدیم تا انتقال پیدا می کرد. با تمرکز به این موضوع نظام مستقر شد یعنی ایجاد شد بالاخره در قانون اساسی مسائلی پذیرش شد.

1/2/1/1/3/3. تبیین "در راس امور قرار گرفتن جنگ" ، موضوع انتقال از نظام اسلامی به دولت اسلامی با بیان ضرورت کارآمد شدن نظام اسلامی و ایجاد استقلال برای ایجاد دولت اسلامی و اداره ی زندگی مردم

ولی اینکه نظام اسلامی بتواند کارآمد بشود یعنی سرپای خودش بایستد، استقلال پیدا کند، وابستگی های شدیدی که از دوره پهلوی به جا مانده بود آنها را جبران کند و شما یک نظام مستقر داشته باشید که بتواند زندگی مردمش را اداره کند این

مرحله باید انجام می شد. یعنی استقرار باید به انجام می رسید که بعد شما فرصت پیدا کنید که وارد مرحله دولت اسلامی شوید. این استقرار هم با در رأس امور قرار گرفتن جنگ محقق شد.

1/2/1/1/3/3/1. به دست آوردن ظرفیت اداره حکومت توسط نیروهای حزب الهی و پایه گذاری استقرار کشور توسط جنگ و انتقال از نظام اسلامی به دولت اسلامی با کلید جمله ی " جنگ درراس امور است " و به رسمیت شناخته شدن ما در دنیا و احساس عمومی کارآمدی نظام پس از جنگ

یعنی اگر پدیده جنگ نبود ما ظرفیت اداره یک حکومت توسط نیروهای حزب الهی بدست نمی آوردیم یعنی پایه گذاری استقرار کشور به وسیله جنگ اتفاق افتاد. یعنی به نظرم موضوع انتقال از مرحله نظام اسلامی به دولت اسلامی با کلید جمله "جنگ درراس امور است" اتفاق افتاد. بعدها تبیینی که امام فرمودند راجع به مسئله جنگ فرمودند جنگ برای ما یک نعمت بود و خواص آن را دیدیم. به نظر من از آن موقع بود که انقلاب صادر شد و از آن موقع بود که استقرار کشور پایه گذاری شد. پس بنابراین ما در گام دوم هم نظام اسلامی را به پذیرش رسانده ایم، ولی معنایش این نیست که الان می توانیم کشور را اداره کنیم؛ 8 سال جنگ باعث شد که ما یک ظرفیتی را بدست بیاوریم، این کاری بود که باید انجام می دادیم و با تقدیر خدای متعال و مدیریت صحیح امام(ره) ما به این ظرفیت دست پیدا کردیم. بعد از جنگ، به واقع ما مستقر شدیم؛ همه دنیا ظرفیت ما را به رسمیت شناخت و بعد از جنگ یک هویت عمومی و احساس عمومی ایجاد شد که نظام اسلامی کارآمد است.

1/2/1/1/3/3/1/1. از دست ندادن حتی یک وجب از خاک در دفاع مقدس برخلاف جنگ های 200 سال گذشته و پایه ریزی ظرفیت تکنولوژی کشور در آنجا

یعنی در 200 سال گذشته هر جنگی اتفاق می افتاد یک بخشی از کشور جدا می شد ولی در دفاع مقدس یک وجب از خاکمان را هم از دست ندادیم. علاوه بر این ظرفیت تکنولوژی کشور استقرارش آنجا پایه ریزی شد.

1/2/1/1/3/4. ورود به دولت اسلامی با رحلت امام خمینی و آغاز امامت امام خامنه ای و توجه تدریجی به ساختارها طبق فرمایشات رهبر

لذا با رحلت امام راحل عظیم الشان و آغاز امامت اجتماعی امام خامنه ای ما وارد دولت اسلامی شدیم یعنی توانستیم به تدریج طبق فرمایشات مقام معظم رهبری به ساختارهای کشور توجه کنیم.

1/2/1/1/3/4/1. تبیین حرکت به سمت توانمندی ساختارها و صحبت از عدالت، حفظ حکمت، عزت و مصلحت و... در صحبت های آن دوران حضرت آقا و عدم صحبت از تشکیل نظام

اگر دقت کنید حضرت آقا در آن دوران، به عدالت، حفظ حکمت، عزت و مصلحت و مسائلی از این دست صحبت می کنند، ولی موضوع گفتمان سازی ایشان این نیست که حالا می خواهیم مردم را دعوت کنیم بیایند نظام تشکیل بدهند. بحث این

بود که مردم را داریم بسیج می کنیم داریم راجع به تغییر ساختارها صحبت می کنیم یعنی رفتن به سمت همین توانمندسازی ساختاری برای تحقق مبنا، چون ما الان در این مرحله هستیم.

1/2/1/1/3/4/2. "تولید الگوی پیشرفت اسلامی" موضوع انتقال به مرحله ی دولت اسلامی

از یک منظر، همینطور که قوام نظام اسلامی و علت انتقال نظام اسلامی به مرحله دولت اسلامی پدیده دفاع مقدس بود حالا قوام دولت اسلامی یعنی انتقال آن به مرحله جامعه اسلامی این هم باز یک موضوع انتقال دارد که مسئله پیشرفت اسلامی است. یعنی شما در واقع چطور می گوید که نظام اسلامی آن موقعی استقرار واقعی پیدا کرد که ما از کوره دفاع مقدس عبور کردیم و آن را در راس امور خودمان قرار دادیم. دفاع مقدس زمینه استقرار نظام را در عالم ایجاد کرد، هم در درون و هم در بیرون. الان هم ما در مرحله انتقال به جامعه اسلامی از مرحله دولت اسلامی هستیم. از این منظر، باید موضوع انتقال را شناسایی بکنیم که به نظر ما موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی، "تولید الگوی پیشرفت اسلامی" است.

1/2/1/1/3/4/2/1. اهمیت تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان موضوع انتقال به دولت اسلامی به اندازه ی

ولایت فقیه و جنگ

لذا تولید الگوی پیشرفت اسلامی که موضوع انتقال از مرحله دولت اسلامی به مرحله جامعه اسلامی است عدل جنگ و عدل بحث ولایت فقیه اهمیت دارد. ما الان در مرحله دولت اسلامی هستیم و موضوع انتقال این مرحله که مرحله آینده را تبیین می کند، پیشرفت اسلامی است.

1/2/1/1/3/4/2/2. تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی در صورت ارائه ی الگو و خوب تبیین نشدن

جهت، آسیب ما در شرایط فعلی

اگر بتوانیم الگو ارائه دهیم در واقع توانسته ایم جهت حرکت جمهوری اسلامی را تبیین کنیم. آسیبی که ما داریم در شرایط فعلی این است که جهت جمهوری اسلامی خوب تبیین نمی شود. در حقیقت در بحث فهم مراحل دچار مشکل هستیم. اگر ما واقعا بخواهیم از مرحله دولت اسلامی انتقال پیدا کنیم باید تبیین الگوی اسلامی پیشرفت را در رأس برنامه هایمان قرار دهیم.

1/2/1/1/3/4/3. توانمند سازی ساختارها، مسئله ی نقشه را الگوی پیشرفت ما در یک کلمه و صحبت از الگویی

برای اداره ی کشور به نحو جدید در این مسئله

اگر در یک کلمه از ما بپرسند که نقشه راه الگوی پیشرفت شما مسئله اش چیست، مسئله ما توانمندسازی ساختارهاست یعنی چگونگی توانمندسازی ساختارها را تبیین کردیم و در واقع وقتی شما از توانمندسازی ساختارها بحث می آورید دارید از الگوی اداره کشور به نحو جدیدی صحبت می کنید پس دارید از الگوی پیشرفت اسلامی صحبت می کنید.

2. تمرکز ادامه‌ی بحث بر چگونگی توانمندسازی ساختارها و بیان وجود سه مرحله در مرحله‌ی دولت اسلامی

از این جا به بعد همه بحث متمرکز است در تبیین چگونگی توانمندسازی ساختارها. ما در گام اول جدول توانمندسازی ساختارهای جمهوری اسلامی برای تحقق مبنا یعنی همین تولید الگو را در سه مرحله تبیین کردیم یعنی به نظرمان خود این مرحله سوم تکاملی انقلاب که شما اسمش را دولت اسلامی می‌گذارید خودش سه مرحله است؛

2/1. مرحله‌ی اول، توانمندسازی اتفاق افتاده در 22-23 سال گذشته با شروع امامت امام خامنه‌ای تا کنون

یک مرحله توانمندسازی در 22-23 سال گذشته اتفاق افتاده یعنی امامت اجتماعی آیت‌الله خامنه‌ای از ابتدا تاکنون برای مرحله دولت اسلامی بوده است.

2/2. مرحله‌ی دوم، بیان لزوم تبیین پیشرفت توسط حضرت آقا و مرحله‌ی سوم، دهه پیشرفت و عدالت از هفت هشت سال پیش به این طرف و بیان عدم استفاده‌ی عمدی از کلمه‌ی توسعه توسط رهبر و نامگذاری برنامه‌ی ای به نام تکامل در نقشه‌ی راه در همین مسیر

از طرف دیگر از هفت هشت سال پیش به این طرف، مرحله سوم دولت اسلامی بوده است. یعنی از زمانی که دهه را آقا به نام دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری کردند و فرمودند که من متعمداً کلمه توسعه را بکار نمی‌برم و با دقت کلمه پیشرفت را انتخاب کردم. از نظر ما همان فرمایش معروف حضرت آقا و این که پیشرفت باید تبیین شود، مرحله دوم است. در همین مسیر یک برنامه‌ی ای هم به نام تکامل، در داخل نقشه راه، نامگذاری کردیم.

2/1/1. نام گذاری مرحله‌ی اول دولت اسلامی به "قانون اساسی مصوب 57 با تغییرات 68"

مرحله اول دولت اسلامی را عنوانش را گذاشته ایم قانون اساسی مصوب 57 با تغییرات 68، یعنی بالاخره در قانون اساسی فعلی ما یک نحوه اسلامیت تثویز شده، مبنا قرار گرفته؛ خوب این یک مرحله‌ی ای است که ما طی کردیم برای احراز دولت اسلامی.

2/1/1/1. احتمال تغییر قانون اساسی در آینده و لزوم وجود قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی با تبیین روابط ساختاری ما در آینده و قانون اساسی انقلاب فرهنگی برای تکامل دولت اسلامی به منظور تثویز کردن روابط ساختاری متناسب با تحولات آینده‌ی حوزه و دانشگاه

در آینده بحث تغییر قانون اساسی بحث محتملی است. محورهای نقشه راهی که ما پیشنهاد دادیم این بود که قانون اساسی آینده باید متأثر از الگوی پیشرفت اسلامی باشد و قانون اساسی‌ای باشد که مبین روابط ساختاری آینده ما باشد که ما اسم آن را تعبیر کردیم به قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی. یک قانون اساسی هم برای تکامل دولت اسلامی پیشنهاد دادیم

که ارزش تعبیر کردیم به قانون اساسی انقلاب فرهنگی. یعنی موقعی که تحول در حوزه و تحول در دانشگاه استارت خورد بعد باید روابط ساختاری متناسب با آن تحول را تئوریزه کنید و از آن یک اصول حقوقی بیرون آورید.

2/3. قرار داشتن ما در مرحله ی جمع بندی کشور در نرسیدن به پیشرفت اسلامی با بکارگیری مفاهیم توسعه غربی

ما در این مرحله هستیم که کشور به این جمع بندی رسیده که با بکارگیری توسعه غربی و مفاهیم توسعه غربی نمی شود به پیشرفت اسلامی و احراز هویت اسلامی رسید.

2/3/1. نام بردن از توسعه به عنوان بحثی بین بخش های جامعه شناسی، مدیریت و اقتصاد به عنوان مولفه های اصلی و ممکن نبودن تحقق شاخص های اسلامی با مولفه های توسعه غربی در این موارد

بحث توسعه هم رشته بین بخشی است یعنی جامعه شناسی، مدیریت، اقتصاد مولفه های اصلی است. در همه این موارد تحقق شاخص های اسلامی با مولفه های توسعه غربی ممکن نیست.

2/3/2. وجود هزار شاخص در شش بخش در گزارش سال 2012 بانک جهانی برای برنامه ریزی بر مبنای توسعه غربی

اخیرا گزارش بانک جهانی در سال 2012 را که مطالعه می کردیم دیدیم هزار تا شاخص دارد در 6 بخش. این هزار شاخص دارد برنامه ریزی می کند بر مبنای توسعه غربی .

2/3/2/1. دیده نشدن شاخص های خانواده و عدالت در هزار شاخص بانک جهانی ، اشاره به شاخص فراوانی موبایل یا استفاده ی خانگی از اینترنت در شاخص های فرهنگ ، مثال هایی از تعارض WDI با پیشرفت اسلامی و در نتیجه ممکن نبودن حتی گزینش از شاخص های آنها و البته تفاوت فضای اضطرار با این فضا و مبنا بودن این شاخص ها برای برنامه ریزی در کشور و وجود روابط محاسباتی و جداول اطلاعاتی شاخص های غربی و در نتیجه توانمند بودن در حرکت به آن سمت

مثلا فرض بفرمایید شاخص های خانواده در این هزار شاخص دیده نشده و شاخص های مربوط به عدالت؛ حالا اگر بخواهیم تعارض هایش را با پیشرفت اسلامی بگوییم خیلی زیاد است. به نظرم اگر با یک دقت کارشناسی نگاه کنیم ما اصلا نیاز به یک پکیج شاخص جدید داریم حتی نمی توانیم از شاخص های آن ها گزینش هم کنیم. اما یک وقت اضطرار هست آن یک فضای دیگری دارد. فرض بفرمایید مثلا در شاخص های فرهنگ که مثلا شاخص فراوانی موبایل را یا استفاده خانگی از اینترنت را مورد اشاره قرار می دهد با مبنای ما خیلی فاصله دارد. اگر این شاخص ها را بعنوان شاخص های بخش فرهنگ معرفی کرده. واقعا به جایی نمی رسیم ما اینجا نمی توانیم بگوییم به هر میزان استفاده از اینترنت محقق می شود ما توسعه یافته تریم. به هر حال بحث شاخص ها اساسی است چرا که در یک کلمه WDI الان مبنای برنامه ریزی است در کشور یعنی

کارشناسان ما در وزارت ارتباطات و سایر وزارتخانه هایمان سعی می کنند برای تحقق آن شاخصه ها برنامه ریزی کنند و آن روابط محاسباتی و جداول اطلاعاتی اش هم موجود است. یعنی برای تحقق توسعه غربی شاخص ها توانمند هستند برای رسیدن به آن سمت.

2/3/2/2. لزوم وجود گزارش سالیانه از چيستی شاخص های هویت اسلامی برای توانمندسازی ساختارها در دولت اسلامی

خوب ما اگر بخواهیم برویم برای توانمندسازی ساختارها در دولت اسلامی حرکت کنیم، یکی از نیازهایمان این است که باید یک گزارش های سالیانه ای داشته باشیم که شاخص های هویت اسلامی چیست که جایش امروزه در برنامه ریزی خالی است.

2/3/2/2/1. لزوم وجود روش محاسباتی همراه با شاخص های هویت اسلامی برای برنامه ریزی

شاید تا سال آینده موفق بشویم اولین نسخه ی شاخص های هویت اسلامی را منتشر کنیم و روش محاسباتی اش هم کنارش باشد یعنی فقط شاخص کفایت نمی کند برای برنامه ریزی

2/3/2/2/1/1. بیان مثال شاخص خانواده به صورت بسته به همراه روش محاسباتی آن

بلکه شما باید بیابید بگویند مثلا شاخص هویت اسلامی خانواده است ولی خودش یک پکیج و بسته شاخص است و روش محاسبه اش را هم باید درونش ارائه داد.

2/3/2/2/2. بیان اهمیت انتشار شاخص های هویت اسلامی و روش محاسباتی اش برای توانمندسازی ساختارها و اجبار به گزینش شاخص های کم ضرر تر از ادبیات توسعه و درک اجمالی از پیشرفت اسلامی در صورت عدم انتشار شاخص ها

پس حتما شما یکی از نیازهایی که برای توانمندسازی ساختارها دارید همین انتشار شاخص های هویت اسلامی است. مادامی که این شاخص های هویت اسلامی و روش محاسبه اش را منتشر نکنید شما مجبور می شوید آن روش هایی را از اقتصاد غرب و ادبیات توسعه گزینش کنید که کم ضررتر باشند نسبت به شاخص های شما، یعنی شما یک درک اجمالی دارید.

2/3/2/2/2/1. بیان مثال عدالت و استفاده از یارانه ی غیرمستقیم و پس از آن مستقیم در عین غربی بودن پایه بحث یارانه

در واقع مثلا فرض کنید در مسئله عدالت، عدالت را یک درک اجمالی از آن داریم حالا قبلا از سیستم یارانه غیر مستقیم استفاده می کردیم می گفتیم این به عدالت نزدیک تر است، حال می گوئیم یارانه مستقیم بهتر است. اصلا پایه بحث یارانه

های غیر مستقیم غربی بوده و مبنای علمی اش که الان هست را ما تولیدش نکردیم؛ الان که یارانه مستقیم می دهیم هم غربی است. ولی به هر حال جمع بندی مسئولین و کارشناسان کشور این بود که این روش به عدالت نزدیک تر است.

2/3/2/2/3 بیان قفل نبودن و البته کند بودن حرکت کشور به سمت شاخص های هویت اسلامی و در نتیجه ایجاد حالت اجبار به گزینش مفاهیم غربی کم ضررتر و ایجاد اختلاف بین افراد در گزینش کردن یا نکردن از مفاهیم غربی

البته به هر حال الان حرکت کشور به سمت شاخص های هویت اسلامی قفل نیست ولی خیلی کند است، شما مجبورید از یک سری روابطی که در مفاهیمی غربی تعریف شده کم ضرر تر آن را گزینش کنید. اینجا منشا اختلاف می شود یک عده ای موافق اند، یک عده ای مخالف اند.

2/3/2/2/4 انتشار شاخص های هویت اسلامی و روش محاسبه اش، راه اصلی و تبیین تفصیلی مفهوم پیشرفت بجای توسعه در همین زمینه و پیشنهاد 27 ماموریت برای توانمندتر کردن ساختارها در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی

راه اصلی این است که بروید سراغ همان منتشر کردن شاخص های هویت اسلامی و روش محاسبه اش را ارائه دهید. در همین زمینه ما سعی کردیم برای گام توانمندسازی ساختارها، تبیین تفصیلی درباره مفهوم پیشرفت بجای مفهوم توسعه را ارائه بدهیم. لذا اگر درباره نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی مطالعه دقیقی صورت بگیرد 27 ماموریت پیشنهاد شده که عمل به آنها یک قدم ساختارها را توانمندتر می کند.

3 بیان نسبت الگوی پیشرفت اسلامی و چشم انداز بیست ساله به صورت پیشنهاد سیاست های کلان بر اساس الگوی خودمان در دو برنامه باقیمانده چشم انداز و عوض کردن تخصیص ها در 5 سال آینده

در زمینه ی نسبت الگو با چشم انداز بیست ساله باید گفت چشم انداز بیست ساله، چشم اندازی هست که افق حرکت است، ما اگر بخواهیم بر اساس برنامه هایی که برای پیشرفت اسلامی می نویسیم و برای توسعه کشور مرسوم هست، برنامه بنویسیم؛ می توانیم در دو برنامه باقیمانده چشم انداز بر اساس الگوی خودمان سیاست های کلان پیشنهاد بدهیم. در حقیقت می توانیم تخصیص ها را در 5 سال آینده عوض کنیم.

3/1 مورد برنامه ریزی قرار نگرفتن عبارت دوم سند چشم انداز با عنوان " با هویت اسلامی الهام بخش در جهان اسلام است " و توجه به عبارت اول با عنوان " ایران کشور توسعه یافته است " در اسناد تولید شده در بعضی نهاد ها

بالاخره سند چشم انداز دو عبارت در آن است؛ یکی عبارت " با هویت اسلامی الهام بخش در جهان اسلام است"، این بخشش هیچ وقت مورد برنامه ریزی قرار نگرفت یعنی در اسنادی که بعضی از نهادها تولید کردند همان بخش اولش که عبارت " ایران کشور توسعه یافته است" مورد توجه واقع شده است.

3/2. برگزاری همایش در مجمع تشخیص تحت عنوان "سیاست خارجی توسعه گرا" و پیشنهاد تعریف روابط خارجی به محوریت ایجاد توسعه در عین مخالف بودن قسمت دوم سند چشم انداز با این کار و در عین پیشنهاد این سند توسط خود مجمع تشخیص

این سند پیشنهادی مجمع تشخیص بوده و ما با مطالعاتی که در اسناد مجمع تشخیص داریم حتی همایش مهمی در مجمع تشخیص برگزار شد تحت عنوان "سیاست خارجی توسعه گرا" خوب حتی در آن همایش هم آمدند پیشنهاد دادند که ما به محوریت ایجاد توسعه روابط خارجی مان را تعریف می کنیم. خوب آن قسمت سند چشم انداز کاملاً مخالف این بود.

3/1/1. اصلاح سند پیشنهادی مجمع تشخیص توسط امام خامنه ای و تغییر معنای توسعه با اضافه کردن عبارت " هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام "

معلوم است که حضرت آیت الله خامنه ای سند پیشنهادی مجمع تشخیص را اصلاح کردند و " ایران کشوری است با هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام" را اضافه نمودند. در واقع عبارت " هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام " معنای "توسعه" را تغییر می دهد.

3/1/1/1. مهم نبودن ورود ما به فضای برنامه ریزی کشور و اهمیت پاسخگویی برنامه نویسان توسعه در کشور به چیستی نسبت برنامه های توسعه با مرحله فعلی تکامل انقلاب با عنوان توانمند سازی ساختارها

خوب حالا ما می آییم برای تحقق چنین سندی به این معنا که ما عرض کردیم می توانیم دو برنامه بعدی را در جهت برنامه های کلان پیشنهاد بدهیم، ولی به هر حال مسئله اصلی آن نیست که ما حضور پیدا کنیم در فضای برنامه ریزی کشور یا نکنیم بلکه بعد اجتماعی موضوع مهم است یعنی کسانی که برنامه های توسعه را الان در کشور می نویسند باید پاسخ بدهند که نسبتش به مرحله فعلی تکامل انقلاب که توانمندسازی ساختارهاست چیست؟ یعنی چقدر در این دوره ها ساختارهای ما توانمند شده اند.

3/1/1/1/1. بیان مثال منحل شدن سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در زمان آقای احمدی نژاد به عنوان برخورداری در نحوه برنامه ریزی کشور و البته اهمیت بررسی نهاد جایگزین آن

ببینید مثلاً فرض بفرمایید در دولت آقای احمدی نژاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور منحل شد، خوب این یعنی یک برخورداری در نحوه برنامه ریزی کشور صورت گرفت ولی باید بررسی شود چه چیزی جایگزین شد؛

3/1/1/1/2. بیان مثال امکان تولید یک نحوه برنامه ریزی غیر متمرکز با مطالعه علمی سفر های استانی و البته انجام نگرفتن این کار

مثلا می شد با یک مطالعه علمی راجع به سفرهای استانی ما بتوانیم یک نحوه برنامه ریزی غیر متمرکز را تولید کنیم و به آن شأنیت بدهیم ولی نشد.

3/1/1/1/3. انجام حرکت هایی به سمت خروج ساختارهای دولت از برنامه ریزی مدرن و توقف این حرکت به علت نیامدن جایگزین و در نتیجه خطر معکوس بودن و بازگشت به ساختار های قبلی

این اتفاق نیفتاد یک حرکتی صورت گرفت به سمت اینکه دولت از ساختارهای ما از وضعیت برنامه ریزی مدرن خارج شود ولی چون جایگزینش نیامد و طراحی نشد حرکت متوقف بوده و حتی خطر معکوس بودنش وجود دارد که ما دوباره برگردیم به همان ساختارهای قبلی.

3/1/1/1/4. بیان مثال حرکت هایی در راستای تحول آموزش و پرورش و لزوم بررسی تقویت یا تضعیف تربیت بر اساس شاخص های الگوی پیشرفت اسلامی توسط این تحول

یا مثلا یک حرکت هایی در راستای تحول در آموزش و پرورش صورت گرفت، باید ارزیابی کنیم که تحول فعلی تربیت بر اساس شاخص های الگوی پیشرفت اسلامی را تقویت میکند یا تقویت نمی کند .

3/1/1/1/5. لزوم کارنامه خوانی کاندیداهای بعدی ریاست جمهوری و پاسخ گویی آنان در زمینه ی برنامه ی آنان برای توانمندشدن ساختارهای جمهوری اسلامی

حتی ما به نظرم کارنامه خوانی هایی که از کاندیداهای بعدی ریاست جمهوری نیروهای انقلاب انجام می دهند باید در این راستا باشد، یعنی نامزدها جواب این مسئله را بدهند که چه برنامه ای برای توانمندشدن ساختارهای جمهوری اسلامی دارند؟ در واقع بخشی از سرفصل های برنامه های کاندیداهای ریاست جمهوری باید به این اختصاص پیدا کند که تغییرات ساختاری متناسب با مبنای جمهوری اسلامی را ایجاد کند. اینها همه قابل مطالبه است .

3/1/1/1/5/1. نام بردن از "قبول داشتن حکم حکومتی ولی فقیه" به عنوان توقعی پایین تر از حداقل اصلحیت برای کاندیدا ریاست جمهوری و لزوم ارائه ی درک کاندیدا از چگونگی ایجاد دولت اسلامی و وجود این بحث در خانه های نقشه راه

یعنی مثلا وقتی می خواهند بگویند یک کاندیدا اصلح است کفایت به این نکنند که آن کاندیدا قبول داشته باشد حکم حکومتی ولی فقیه را، این اصلا معیار خوبی نیست یعنی یک چیزی پایین تر از حداقل اصلحیت است؛ حتما باید حکم حکومتی را قبول داشته باشند ولی باید افراد درک خودشان را از چگونگی ایجاد دولت اسلامی ارائه بدهند. یکی از خانه های

نقشه راه ما این بحث در انتخابات است، یعنی به نظر ما نیروهای انقلاب باید وارد بشوند. بر اساس میزان توان تیم هایی که می خواهند بیایند در انتخابات ریاست جمهوری شرکت کنند و توان آنها را در دولت اسلامی و در توانمندسازی ساختارهای بر آن مینا ارزیابی کنند.

خب من احساس می کنم که به صورت اجمالی ما نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی را توضیح دادیم و تبیین شد چرا ما نمی توانیم از ادبیات توسعه استفاده کنیم.

4. نام بردن از شورای مردمی موسوم به شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با مشغولیت به سه کار

ما یک شورای مردمی داریم موسوم به شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی که این شورای راهبردی الگوی پیشرفت الان مشغول سه کار هست؛

4/1. بیان امر تبیین الگوی پیشرفت اسلامی در شورا و ناقص بودن این بحث بدون صحبت از جهت جمهوری اسلامی

یکی تبیین همین مسئله الگوی پیشرفت اسلامی که حالا اینجا خلاصه اش را گزارش دادم که در واقع صحبت از الگوی پیشرفت اسلامی بدون صحبت از جهت جمهوری اسلامی صحبت ناقصی است.

4/1/1. بیان غلط دیدن حرکت انقلاب در این 30 سال در صورت دنبال کردن توسعه، به علت حرکت انقلاب در راستای پیشرفت اسلامی و ابراز تاسف از برگزاری همایش مربوط به الگوی پیشرفت اسلامی با شرکت کنندگان بدون تسلط بر مراحل جمهوری اسلامی و صحبت از توسعه و ترسیم اشتباه مسیر انقلاب و بحث پیرامون چگونگی ایجاد توسعه در ایران در این همایش ها و جا نیفتادن جهت برای این افراد

متأسفانه با عرض تاسف این را بگویم برخی همایش هایی که برگزار می شود اگر شما بیانات عزیزان شرکت کننده در آن همایش ها را ملاحظه بفرمایید کاملاً مشهود است اصلاً مسئله مراحل جمهوری اسلامی را مسلط نیستند و در مورد توسعه صحبت می کنند، و حتی مسیر را از اول انقلاب اشتباه ترسیم می کنند. حتی واقعا اگر ما به دنبال توسعه باشیم این سی سال را اشتباهی آمدیم یعنی 30 سال حرکت انقلاب قطعاً در راستای ایجاد توسعه نبوده ولی در راستای پیشرفت اسلامی بوده؛ حالا می بینید همایش برگزار می شود سخنران همایش یا مقاله ای که نوشته شده مع الاسف چگونگی ایجاد توسعه در ایران را بحث کرده، در همایشی که مربوط به الگوی پیشرفت اسلامی بوده یعنی اصلاً جهت جمهوری اسلامی برایش جا نیفتاده است.

4/1/2. تبیین مسئله ی الگوی پیشرفت در نشست و کارگاهها و همایش ها و گفتگوهای شورای راهبردی

خوب حالا ما یک کاری داریم در شورای راهبردی همین مسئله را تبیین می کنیم یعنی ما در نشست و کارگاهها و همایش ها و گفتگوهایی که جاهای مختلف داریم سعی داریم که مسئله الگوی پیشرفت مسئله اش تبیین شود که فرمود اگر سوال خوب بپرسد نصف جواب را رفته اید، ..

4/2. ارتباط با نهادهای نظام به محوریت ماموریت های 27 گانه جدول، کار دوم شورا

یک کار دومی داریم به محوریت های ماموریت های 27 گانه جدول با نهادهای نظام در حال ارتباط هستیم؛

4/2/1. پیشنهاداتی به مجلس در زمینه ی ارتقای کف اسلامیت به عنوان مبنای تقنین به سطح بالاتری از اسلامیت در راستای تحقق شاخص های هویت اسلامی در ماموریت های 27 گانه جدول

یعنی ما پیشنهادی داریم برای توانمندسازی ساختار فعلی مجلس، یعنی پیشنهادی داریم که اگر عمل بشود روش تقنین در مجلس متناسب تر می شود با مبنای جمهوری اسلامی. الان در روش تقنین فعلی قطعاً قانونی که مخالف مبنای جمهوری اسلامی باشد تصویب نمی شود ولی سوال هست آیا که قوانینی که تصویب می شود در راستای تحقق شاخص های هویت اسلامی هم هست یا نه؟ این محل اشکال است؛ حالا ما یک پیشنهاداتی دادیم که ساختار مجلس ارتقا پیدا کند یعنی بجای اینکه کف اسلامیت را مبنای تقنین قرار دهد با تغییرات ساختاری که پیشنهاد دادیم اگر مبنای عمل قرار بگیرد مجلس می تواند تقنین را در سطح بالاتری از اسلامیت مبنای برنامه ریزی خود قرار دهد؛ پس یک کار دومی هم داریم توانمندسازی بخشی به محوریت ماموریت های 27 گانه جدول.

4/3. پیشنهاد سیاست هایی کلان برای برنامه ششم کشور، کار دیگر شورا

یک کار سومی هم داریم که بر اساس نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی داریم در برنامه ششم اداری کشور که ان شالله امیدواریم برنامه ششم دیگر خیلی کمتر متاثر باشد از ادبیات توسعه و بیشتر متاثر باشد از پیشرفت اسلامی باشد، ما داریم سیاستهای کلانی پیشنهاد می کنیم؛

4/4. مرور سه کار شورای راهبردی شامل نوشتن یک بسته سیاستی و پیشنهاد آن به دفتر رهبر برای تبیین برنامه بعدی، ارتباط بخشی با نهادها و کارفعلی شامل معرفی نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی

این سه کار را ما مشغول هستیم یعنی نوشتن یک بسته سیاستی که قاعدتاً باید پیشنهادش بدهیم به دفتر رهبر انقلاب برای تبیین مسئله یعنی برای برنامه بعدی، کار دوم ارتباط بخشی با نهادها، کار فعلی مان که حالا بیشتر الان مشغول هستیم بحث همین معرفی نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی است .

5. بیان اهمیت تبیین الگوی پیشرفت فارغ از چگونگی تحقق آن در نشریات و همایش ها و پنج جریان مشغول مسئله الگوی پیشرفت اسلامی

یک نکته ای که شاید بحث را تکمیل کند و خیلی مهم است شاید پرداختن نشریاتی مثل شما و توجه کردن به خروجی همایش هایی است که الان دارد در کشور برگزار می شود؛ حالا بدون اینکه من اسم ببرم تقریبا پنج جریان به صورت بریده یا دائمی مشغول مسئله الگوی پیشرفت اسلامی هستند. اگر بشود که بعدا اگر کسی گفتگو را خواند یا خود شما بعنوان برنامه ریزان این نشریه، توجه کنند که مسئله الگوی پیشرفت در این همایش ها تبیین می شود فارغ از اینکه چگونه تحقق پیدا کند.

5/1. جلوگیری از دوباره کاری های مایوس و کسل کننده در صورت حساسیت روی مسئله ی توسعه و بیان ادعای فردی در صداوسیما درزمینه ی تولید الگوی پیشرفت اسلامی در عین ارائه ی الگویی مثل مالزی و ترکیه

من به نظرم این توجه اگر اتفاق بیفتد ممکن است ما از یک دوباره کاری خیلی مایوس کننده و کسل کننده جلوگیری کنیم در کشور، یعنی آقایی آمد در صدا و سیما گزارش داد که ما الگوی پیشرفت اسلامی را تولید کردیم، جالب بود که ایشان گفت ما تولید کردیم!! سایر مراکز می گویند که ما در حال تولید هستیم، این آقا گفت ما تولید کردیم، بعد که بحث شد موشکافی کردیم دیدیم منظورشان یک الگویی مثل مالزی و ترکیه و از این دست است!! مع الاسف یک بخشی از بچه های حزب اللهی هم همین طور هستند یعنی آنها هم خیلی حساسیتی روی مسئله توسعه ندارند و معایبش را نمی دانند

5/2. مطالعه ی مجموعه گفتار آیت الله خامنه ای در مسئله پیشرفت اسلامی، کمکی برای درک مسئله ی الگو

لذا من به عنوان حرف آخر عرض می کنم که یک دور، بچه های حزب الله در مجموعه گفتار آیت الله خامنه ای در مسئله پیشرفت اسلامی مطالعه بکنند که کمک می کند به درک این مسئله.

فهرست تفصیلی

1. وجود نقد توسعه غربی در مسئله ی الگوی پیشرفت اسلامی.....1
- 1/1. توجه به جهت جمهوری اسلامی، زاویه دید ما به الگوی پیشرفت اسلامی و گفتن لزوم استفاده نکردن از الگوهای غربی به ما در این زاویه دید
- 1/1/1. بازخوانی تاریخ از دارالفنون به این سمت و رسیدن به اثر الگوهای غربی و مورد بحث نبودن نقد الگوهای غربی توسط ما در عین وجود ارتباط مفهومی بین این دو مسئله.....1
- 1/1/1/1. بازخوانی تجربه ی دویست سال عمل به تزهای روشنفکری غربی در کشور، مشخص کننده ی نقاط ضعف و طرح بحث "الگوی پیشرفت اسلامی" در ادبیات انقلاب در نتیجه ی این ضعف ها.....1
- 1/1/1/2. ورود پیدا نکردن ما به بحث های نظری ملازم با بررسی کتابخانه ای و بیان بازخوانی تحولات 200 سال اخیر و سنجیدن آن با آرمان ها و شرایط تاریخی به عنوان راهی دیگر، در عین مشترک بودن خروجی این دو روش.....1
- 1/2. شروع از مطلب اثباتی تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی در "نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت" و قضاوت درباره ی به هدف رسیدن با توسعه غربی یا برنامه ریزی کردن توسعه غربی ضد شاخص های ما، پس از تبیین.....2
- 1/2/1. طراحی جدول گفتمان پیشرفت اسلامی و طرح مسئله ی تبیین جهت جمهوری اسلامی در این جدول به عنوان اولین مفهوم.....2
- 1/2/1/1. معنا کردن جهت جمهوری اسلامی در سه سطح به صورت تبیین مبنای حرکت، مراحل حرکت و موضوع انتقال از هر مرحله به مرحله ی دیگر.....2
- 1/2/1/1/1. تبیین مبنای حرکت به عنوان "ایده ی محوری" و عامل ایجاد حرکت و انگیزه.....2
- 1/2/1/1/2. بیان مبنا به صورت ایده ی محوری غیر قابل تغییر در هر شرایط زمانی و مکانی.....3

- 1/2/1/1/3. تبدیل یک حرکت به حرکتی دیگر در صورت تغییر مبنای حرکت و در نتیجه لزوم تبیین مبنا برای تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی.....3
- 1/2/1/1/4. تحقق شاخصه های هویت اسلامی، مبنای استنباط شده از ادبیات انقلاب به معنی بیان اقامه ی اسلام به عنوان انگیزه ی انقلابیون از اول شروع انقلاب.....3
- 1/2/1/1/4/1. نبود ابهام در بحث مبنا و وجود آن در بحث شاخص ها.....3
- 1/2/1/1/4/1/1. بیان مثالی استفاده ی ضریب جینی به عنوان شاخص عدالت در عین عدم استحقاق آن و در نظر نگرفتن بحث های فرهنگی در آمارها.....3
- 1/2/1/1/5. کفایت کردن دانستن اجمالی تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنای حرکت ما، در مقام تبیین جهت.....4
- 1/2/1/1/6. رصد دو جریان موثر دیگر در حرکت های اجتماعی ایران.....4
- 1/2/1/1/6/1. بیان جریان روشنفکری به عنوان یک مبنا در سال های گذشته ی ایران با بنای ایجاد مدرنیزاسیون.....4
- 1/2/1/1/6/1/1. بیان مبنا و ایده ی محوری جریان روشنفکری به صورت: بومی کردن مدرنیته و حرکت این مبنا در عرض مبنای انقلاب اسلامی به معنی هماهنگ کردن پتانسیل های اجتماعی بر مبنای فرمانبری از محوری دیگر.....4
- 1/2/1/1/6/2. بیان جریان اسلام سنتی به عنوان مبنای موثر دیگر در ایران با محدود کردن خود به استنباط شاخص های هویت اسلامی و ابلاغ آنها و عدم برنامه ریزی این جریان برای تحقق شاخص های هویت اسلامی.....4
- 1/2/1/1/6/2/1. بیان محدود کردن فعالیت به استنباط و تبلیغ به عنوان نوعی سکولاریسم و جامعه گریزی، البته نه به تعبیر سکولاریزم در عرف بین الملل.....5
- 1/2/1/1/6/2/3. نبود ظرفیت اجتماعی بیش از استنباط و ابلاغ در 200-300 سال پیش و مناسب نبودن بکارگیری روش دوران گذشته با ظرفیت کمتر، در حال حاضر.....5

1/2/1/1/6/3/1. قد علم کردن موجهایی مثل میرزای کبیر و مرحوم شیخ فضل الله و مرحوم مدرس از دویست سال پیش در مقابل مدرنیته، به عنوان جریان هویت انقلاب اسلامی و جمع آوری این اسامی در دائره المعارفی با تخمین اولیه ی 7 جلد کتاب قطور و نشر یک جلد آن به نام "چهل چراغ های طاغوت شکن" 5.....

1/2/1/1/6/3/2. نام گذاری جریان مقابل مدرنیته از 200 سال پیش با تشکیل حکومت در انتهای این سالها به عنوان "جریان انقلاب اسلامی" و برخاستن این جریان از دل حوزه های علمیه..... 5.....

1/2/1/1/6/3/3. وجود رگه هایی نرسیده به ضرورت برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی در حوزه های علمیه از ابتدا تاکنون و امکان شناسایی شخصیت آنان به سادگی در عین غالب بودن گرایش حوزه های علمیه به ضرورت داشتن برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی..... 6.....

1/2/1/1/6/3/4. دانستن ریشه های انقلاب از 200 سال پیش به معنی به جمع بندی رسیدن جمعی از فقها در مقابله با مدرنیته..... 6.....

1/2/1/1/6/3/5. آغاز جریان مقابله با مدرنیته با حرکت میرزا مسیح و جمعیت های دیگر و نقطه ی عطف این جریان در تحریم تنباکو..... 6.....

1/2/1/1/6/4. مرور سه جریان موثر در شرایط فعلی ایران به نام های اسلام سنتی با جایز ندانستن برنامه ریزی، جریان روشنفکری با برنامه ریزی به محوریت ارزش های مدرن و جریان اسلام ناب به دنبال تحقق شاخص های هویت اسلامی..... 6.....

1/2/1/1/6/4/1. لزوم مقایسه ی دائم برای فهم وجود فقهای آگاه تر به زمان و مکان از 200 سال قبل به
عنوان مزیت جریان انقلاب اسلامی..... 7.....

1/2/1/1/6/4/1/1. بیان مشخص شدن کار آمد تر بودن فقهای مقابل تمدن مدرن و موافق تحول شاخص های هویت اسلامی، برای حفظ اسلام با بیان مثال اختلاف مرحوم آخوند خراسانی و مرحوم سید محمدکاظم یزدی در تایید قانون اساسی و بیان غلبه ی جمعیت پذیرنه ی مبنای انقلاب در حوزه های علمیه ی امروز..... 7.....

1/2/1/1/5/1 بیان تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنای حرکت جمهوری اسلامی.....7

1/2/1/1/2 ترسیم پنج مرحله ی تاریخی برای تحقق مبنای جمهوری اسلامی7

1/2/1/1/2/1 مرحله ی اول، انقلاب سیاسی سال 57 شامل سلب اختیار از افراد بی اعتقاد به مبنا و دادن کار به افراد معتقد به تحقق شاخص های هویت اسلامی.....7

1/2/1/1/2/2 مرحله ی دوم، نظام اسلامی شامل تعریف اجمالی هویت و جلوگیری از تعریف هویتی غیرواقعی توسط دیگران.....8

1/2/1/1/2/2/1 مشخص شدن اهمیت تعریف هویت اجمالی و تاکید امام بر عبارت دقیق جمهوری اسلامی با رویت بیداری اسلامی و خواست عده ای در این انقلاب ها برای بیان تعریف دیگری از حرکت صورت گرفته و قانون اساسی.....8

1/2/1/1/2/3 مرحله ی سوم، دولت اسلامی شامل توانمندسازی ساختارها برای برنامه ریزی بر اساس مبنا.....8

1/2/1/1/2/3/1 طرح سوال چرایی ناتوانی ما در حرکت در مرحله دولت اسلامی به سرعت مراحل قبلی و سوال از وجود مشکلات فردی زمامداران دولتی یا مشکل ساختاری علاوه بر مشکلات فردی.....8

1/2/1/1/2/3/1/1 ناتوانی - نه نخواستن - ساختار های فعلی ما در برنامه ریزی برای تحقق شاخص های هویت اسلامی به عنوان مبنا.....9

1/2/1/1/2/3/1/1/1 بیان مثال ناتوانی مرکز آمار دولت نهم با شعار عدالت در محاسبه ی افزایش یا کاهش عدالت و ادعای این مرکز در نشان ندادن نحوه محاسبه عدالت به او و علم ما به پذیرفتن عدالت در وزارتخانه ها9

1/2/1/1/2/3/1/1/2 بیان مثالی استفاده از ضریب چینی به عنوان مفهومی ضد عدالت برای محاسبه ی عدالت و لزوم پذیرش 10 دهک اقتصادی و در نتیجه پذیرش فاصله طبقاتی برای این کار به دلیل ایجاد

نکردن توان برنامه ریزی برای شاخص های هویت اسلامی در ساختار نظام.....9

1/2/1/1/2/3/1/2. عدم انتقال به جامعه اسلامی به عنوان گام چهارم انقلاب، در صورت توانمند نکردن ساختار ها در برنامه ریزی برای مبنای جمهوری اسلامی و اسلامی شدن جامعه به میزان توانا کردن ساختار ها و میزان تحقق شاخص های هویت اسلامی10

1/2/1/1/2/4. مرحله ی چهارم، تمدن اسلامی به معنی جذب دیگر ملت ها به مبنای محقق شده ی جمهوری اسلامی.....10

1/2/1/1/2/5. نسبت داشتن هر مرحله با مبنای جمهوری اسلامی و شروع از گرفتن اختیار ها و ختم به معرفی مبنای حرکت جمهوری اسلامی به بقیه ملتها و مستضعفین عالم و حرکت قبل از ظهور.....10

1/2/1/1/2/3/2. قرار داشتن ما در مرحله ی توانمند سازی ساختار ها به مدت 20 سال براساس فرموده ی امام خامنه ای و لزوم ارائه ی تصویری درست از دولت اسلامی.....10

1/2/1/1/2/3/3. به تصویر کشیدن چگونگی توانمندسازی ساختارها برای برنامه ریزی بر مبنای جمهوری اسلامی در نقشه راه الگوی اسلامی پیشرفت10

مروری بر سه سطح جهت جمهوری اسلامی شامل مبنا به صورت تحقق شاخص های هویت اسلامی و مراحل تحقق این مبنا.....11

برگرفتن تمام این موارد از نظر آیت الله خامنه ای در 5 مرحله و ارائه ی تصویر روشنی از این مراحل توسط ایشان.....11

دخیل بودن مبنای جمهوری اسلامی در تفسیر مراحل و نام بردن از گام سوم مراحل به عنوان کار اصلی ما.....

1/2/1/1/3. حرکت به سمت شناسایی موضوعات انتقال از هر مرحله به مرحله ی دیگر و تحقق شاخص های هویت اسلامی در صورت رسیدن به مرحله ی آخر و تحقق یک قسمت از مبنا در هر مرحله.....11

1/2/1/1/3/1. ضرر کردن در برنامه ریزی اجتماعی در صورت اشتباه در شناسایی موضوع انتقال و عدم تمرکز بر آن11

1/2/1/1/3/1/1. تمرکز بر موضوعی فراتر از ظرفیت و عدم تحقق آن، عامل فرصت سوزی برای تحقق بخشی مناسب با ظرفیت موجود.....12

1/2/1/1/3/2. پذیرفتن منطقی عدم تحقق همه ی مبنا در یک مرحله، عامل ایجاد 5 مرحله و مطرح شدن بحث موضوع انتقال و اولویت.....13

1/2/1/1/3/3. تبیین موضوع انتقال به عنوان تمرکز بر بخشی از مبنا با قدرت تحقق آن و قرار دادن آن به عنوان موضوع اصلی.....13

1/2/1/1/3/1/1. بیان مثالی توصیه به تولید الگوی پیشرفت اسلامی در سال های 49 تا 57 در عین شکل نگرفتن حکومت اسلامی به عنوان کاری فراتر از ظرفیت و ابزار و نیروی انسانی و فکر.....13

1/2/1/1/3/1/1. اشتباه در تشخیص موضوع انتقال ، عامل از دست رفتن فرصت مقدار قابل تحقق و دچار کردن جامعه به شعار زدگی و ناامیدی و تزلزل در اصل مبنا.....13

1/2/1/1/3/1/3. دچار مشکل شدن انتقال ما به مرحله ی بعد در صورت دچار مشکل شدن نیروهای انقلاب و پتانسیل اجتماعی در تشخیص موضوع انتقال.....13

1/2/1/1/3/2. مرور مرحله ی انقلاب اسلامی سال های 42 تا 57 به عنوان رفتن غیر معتقدین به مبنا.....13

1/2/1/1/3/2/1. مرور مرحله ی نظام اسلامی به عنوان تعریف حکومت به "جمهوری اسلامی"، محصول تمرکز امام(ره) و نیروهای انقلاب بر تئوری ولایت فقیه و نبود ظرفیت تحقق بیش از این در آن زمان.....13

1/2/1/1/3/2/2. تبیین مسئله ی ولایت فقیه برای اقشار مختلف به خصوص روحانیت توسط امام خمینی از دهه چهل، علت جا افتادن تئوری مبنایی جمهوری اسلامی هنگام طرح بحث و عدم انحراف آن با تلاش روشنفکران در عین عدم انعکاس کامل اختیارات فقیه در قانون اساسی با فشار های آنان.....14

1/2/1/1/3/2/2/1. امکان اضافه کردن اختیارات فقیه در قانون اساسی در بازنگری فرموده ی حضرت آقا، پس از قانون اساسی مصوب 57 با تغییرات 68.....14

1/2/1/1/3/2/2/2. بیان اهمیت تمرکز بر موضوع انتقال با تبیین مثال ولایت فقیه به عنوان موضوع انتقال از انقلاب اسلامی به نظام اسلامی.....14

1/2/1/1/3/3. تبیین "در راس امور قرار گرفتن جنگ"، موضوع انتقال از نظام اسلامی به دولت اسلامی با بیان ضرورت کارآمد شدن نظام اسلامی و ایجاد استقلال برای ایجاد دولت اسلامی و اداره ی زندگی مردم.....14

1/2/1/1/3/3/1. به دست آوردن ظرفیت اداره حکومت توسط نیروهای حزب الهی و پایه گذاری استقرار کشور توسط جنگ و انتقال از نظام اسلامی به دولت اسلامی با کلید جمله ی "جنگ در راس امور است" و به رسمیت شناخته شدن ما در دنیا و احساس عمومی کارآمدی نظام پس از جنگ.....15

1/2/1/1/3/3/1/1. از دست ندادن حتی یک وجب از خاک در دفاع مقدس برخلاف جنگ های 200 سال گذشته و پایه ریزی ظرفیت تکنولوژی کشور در آنجا.....15

1/2/1/1/3/4. ورود به دولت اسلامی با رحلت امام خمینی و آغاز امامت امام خامنه ای و توجه تدریجی به ساختار ها طبق فرمایشات رهبر.....15

1/2/1/1/3/4/1. تبیین حرکت به سمت توانمندی ساختار ها و صحبت از عدالت، حفظ حکمت، عزت و مصلحت و... در صحبت های آن دوران حضرت آقا و عدم صحبت از تشکیل نظام.....15

1/2/1/1/3/4/2. "تولید الگوی پیشرفت اسلامی" موضوع انتقال به مرحله ی دولت اسلامی.....16

- 1/2/1/1/3/4/2/1. اهمیت تولید الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان موضوع انتقال به دولت اسلامی به اندازه ی ولایت فقیه و جنگ.....16
- 1/2/1/1/3/4/2/2. تبیین جهت حرکت جمهوری اسلامی در صورت ارائه ی الگو و خوب تبیین نشدن جهت، آسیب ما در شرایط فعلی.....16
- 1/2/1/1/3/4/3. توانمند سازی ساختار ها، مسئله ی نقشه را الگوی پیشرفت ما در یک کلمه و صحبت از الگویی برای اداره ی کشور به نحو جدید در این مسئله.....16
2. تمرکز ادامه ی بحث بر چگونگی توانمندسازی ساختارها و بیان وجود سه مرحله در مرحله ی دولت اسلامی.....17
- 2/1. مرحله ی اول، توانمند سازی اتفاق افتاده در 22-23 سال گذشته با شروع امامت امام خامنه ای تا کنون.....17
- 2/2. مرحله ی دوم، بیان لزوم تبیین پیشرفت توسط حضرت آقا و مرحله ی سوم، دهه پیشرفت و عدالت از هفت هشت سال پیش به این طرف و بیان عدم استفاده ی عمدی از کلمه ی توسعه توسط رهبر و نامگذاری برنامه ای به نام تکامل در نقشه ی راه در همین مسیر.....17
- 2/1/1. نام گذاری مرحله ی اول دولت اسلامی به " قانون اساسی مصوب 57 با تغییرات 68"17
- 2/1/1/1. احتمال تغییر قانون اساسی در آینده و لزوم وجود قانون اساسی الگوی پیشرفت اسلامی با تبیین روابط ساختاری ما در آینده و قانون اساسی انقلاب فرهنگی برای تکامل دولت اسلامی به منظور تئوریزه کردن روابط ساختاری متناسب با تحولات آینده ی حوزه و دانشگاه.....17
- 2/3. قرار داشتن ما در مرحله ی جمع بندی کشور در نرسیدن به پیشرفت اسلامی با بکارگیری مفاهیم توسعه غربی.....18
- 2/3/1. نام بردن از توسعه به عنوان بحثی بین بخش های جامعه شناسی، مدیریت و اقتصاد به عنوان مولفه های اصلی و ممکن نبودن تحقق شاخص های اسلامی با مولفه های توسعه غربی در این موارد.....18

2/3/2. وجود هزار شاخص در شش بخش در گزارش سال 2012 بانک جهانی برای برنامه ریزی بر مبنای توسعه غربی.....18

2/3/2/1. دیده نشدن شاخص های خانواده و عدالت در هزار شاخص بانک جهانی ، اشاره به شاخص فراوانی موبایل یا استفاده ی خانگی از اینترنت در شاخص های فرهنگ ، مثال هایی از تعارض WDI با پیشرفت اسلامی و در نتیجه ممکن نبودن حتی گزینش از شاخص های آنها و البته تفاوت فضای اضطرار با این فعنا و مبنا بودن این شاخص ها برای برنامه ریزی در کشور و وجود روابط محاسباتی و جداول اطلاعاتی شاخص های غربی و در نتیجه توانمند بودن در حرکت به آن سمت.....18

2/3/2/2. لزوم وجود گزارش سالیانه از چپستی شاخص های هویت اسلامی برای توانمندسازی ساختارها در دولت اسلامی.....19

2/3/2/2/1. لزوم وجود روش محاسباتی همراه با شاخص های هویت اسلامی برای برنامه ریزی.....19

2/3/2/2/1/1. بیان مثال شاخص خانواده به صورت بسته به همراه روش محاسباتی آن.....20

2/3/2/2/2. بیان اهمیت انتشار شاخص های هویت اسلامی و روش محاسباتی اش برای توانمندسازی ساختار ها و اجبار به گزینش شاخص های کم ضرر تر از ادبیات توسعه و درک اجمالی از پیشرفت اسلامی در صورت عدم انتشار شاخص ها.....20

2/3/2/2/2/1. بیان مثال عدالت و استفاده از یارانه ی غیرمستقیم و پس از آن مستقیم در عین غربی بودن پایه بحث یارانه.....20

2/3/2/2/3. بیان قفل نبودن و البته کند بودن حرکت کشور به سمت شاخص های هویت اسلامی و در نتیجه ایجاد حالت اجبار به گزینش مفاهیم غربی کم ضررتر و ایجاد اختلاف بین افراد در گزینش کردن یا نکردن از مفاهیم غربی.....20

2/3/2/2/4. انتشار شاخص های هویت اسلامی و روش محاسبه اش، راه اصلی و تبیین تفصیلی مفهوم پیشرفت بجای توسعه در همین زمینه و پیشنهاد 27 ماموریت برای توانمندتر کردن ساختارها در نقشه راه تولید الگوی پیشرفت اسلامی.....20

3. بیان نسبت الگوی پیشرفت اسلامی و چشم انداز بیست ساله به صورت پیشنهاد سیاست هایی کلان بر اساس الگوی خودمان در دو برنامه باقیمانده چشم انداز و عوض کردن تخصیص ها در 5 سال آینده.....20

3/1/3. مورد برنامه ریزی قرار نگرفتن عبارت دوم سند چشم انداز با عنوان " با هویت اسلامی الهام بخش در جهان اسلام است " و توجه به عبارت اول با عنوان " ایران کشور توسعه یافته است " در اسناد تولید شده در بعضی نهاد ها20

3/2. برگزاری همایش در مجمع تشخیص تحت عنوان "سیاست خارجی توسعه گرا" و پیشنهاد تعریف روابط خارجی به محوریت ایجاد توسعه در عین مخالف بودن قسمت دوم سند چشم انداز با این کار و در عین پیشنهاد این سند توسط خود مجمع تشخیص.....21

3/1/1/1. اصلاح سند پیشنهادی مجمع تشخیص توسط امام خامنه ای و تغییر معنای توسعه با اضافه کردن عبارت " هویت اسلامی و الهام بخش در جهان اسلام "21

3/1/1/1/1. مهم نبودن ورود ما به فضای برنامه ریزی کشور و اهمیت پاسخگویی برنامه نویسان توسعه در کشور به چپستی نسبت برنامه های توسعه با مرحله فعلی تکامل انقلاب با عنوان توانمند سازی ساختار ها.....21

3/1/1/1/1. بیان مثال منحل شدن سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در زمان آقای احمدی نژاد به عنوان برخوردی در نحوه برنامه ریزی کشور و البته اهمیت بررسی نهاد جایگزین آن.....21

3/1/1/1/2. بیان مثال امکان تولید یک نحوه برنامه ریزی غیر متمرکز با مطالعه علمی سفر های استانی و البته انجام نگرفتن این کار.....22

3/1/1/1/3. انجام حرکت هایی به سمت خروج ساختارهای دولت از برنامه ریزی مدرن و توقف این حرکت به علت نیامدن جایگزین و در نتیجه خطر معکوس بودن و بازگشت به ساختار های قبلی.....22

3/1/1/1/4. بیان مثال حرکت هایی در راستای تحول آموزش و پرورش و لزوم بررسی تقویت یا تضعیف تربیت بر اساس شاخص های الگوی پیشرفت اسلامی توسط این تحول.....22

3/1/1/1/5. لزوم کارنامه خوانی کاندیداهای بعدی ریاست جمهوری و پاسخ گویی آنان در زمینه ی برنامه ی آنان برای توانمندشدن ساختارهای جمهوری اسلامی.....22

3/1/1/1/5/1. نام بردن از "قبول داشتن حکم حکومتی ولی فقیه" به عنوان توقعی پایین تر از حداقل اصلحیت برای کاندیدا ریاست جمهوری و لزوم ارائه ی درک کاندیدا از چگونگی ایجاد دولت اسلامی و وجود این بحث در خانه های نقشه راه22

4. نام بردن از شورای مردمی موسوم به شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی با مشغولیت به سه کار.....23

4/1. بیان امر تبیین الگوی پیشرفت اسلامی در شورا و ناقص بودن این بحث بدون صحبت از جهت جمهوری اسلامی23

4/1/1. بیان غلط دیدن حرکت انقلاب در این 30 سال در صورت دنبال کردن توسعه ،به علت حرکت انقلاب در راستای پیشرفت اسلامی و ابراز تاسف از برگزاری همایش مربوط به الگوی پیشرفت اسلامی با شرکت کنندگان بدون تسلط بر مراحل جمهوری اسلامی و صحبت از توسعه و ترسیم اشتباه مسیر انقلاب و بحث پیرامون چگونگی ایجاد توسعه در ایران در این همایش ها و جا نیفتادن جهت برای این افراد23

4/1/2. تبیین مسئله ی الگوی پیشرفت در نشست و کارگاهها و همایش ها و گفتگوهای شورای راهبردی.....23

4/2. ارتباط با نهادهای نظام به محوریت ماموریت های 27 گانه جدول، کار دوم شورا24

4/2/1. پیشنهاداتی به مجلس در زمینه ی ارتقای کف اسلامیت به عنوان مبنای تقنین به سطح بالاتری از اسلامیت در راستای تحقق شاخص های هویت اسلامی در ماموریت های 27 گانه جدول.....24

4/3. پیشنهاد سیاست هایی کلان برای برنامه ششم کشور، کار دیگر شورا.....24

4/4. مرور سه کار شورای راهبردی شامل نوشتن یک بسته سیاستی و پیشنهاد آن به دفتر رهبر برای تبیین برنامه بعدی، ارتباط بخشی با نهادها و کارفعلی شامل معرفی نقشه راه الگوی پیشرفت اسلامی24

5. بیان اهمیت تبیین الگوی پیشرفت فارغ از چگونگی تحقق آن در نشریات و همایش ها و پنچ جریان مشغول

مسئله الگوی پیشرفت اسلامی.....24

5/1. جلوگیری از دوباره کاری های مایوس و کسل کننده در صورت حساسیت روی مسئله ی توسعه و بیان ادعای فردی

در صداوسیما درزمینه ی تولید الگوی پیشرفت اسلامی در عین ارائه ی الگویی مثل مالزی و ترکیه.....25

5/2. مطالعه ی مجموعه گفتار آیت الله خامنه ای در مسئله پیشرفت اسلامی، کمکی برای درک مسئله ی الگو.....25

پایان

رابطه با آمریکا

امام خامنه‌ای (مد ظله‌العالی)

ما به آمریکاییها بدبینیم و هیچ اعتمادی به آنها نداریم
دولت آمریکا غیر قابل اعتماد
و خود برترین و غیر منطقی و عهد شکن است.

عزیزم



